

تاریخچه اندیشه تغییر خط در ایران

کاظم استادی

مقدمه

بسیاری تصور می‌کنند بحث تغییر خط فارسی، مستقیماً از پیگیری و تلاش‌های فتحعلی آخوندزاده، آغاز شده است، و یا هیچ تحلیلی نسبت به عوامل و دلایل ایجاد ایده تغییر خط، ارائه نمی‌دهند و پاسخگوی سؤالاتی از این دست نیستند:

بحث «تغییر خط» چرا ایجاد می‌شود؟ و آیا با وجود این عوامل تغییر خط الزامی است؟

چرا اندیشه تغییر کامل خط عربی در قرن سیزدهم و چهاردهم نمایان شده است؟

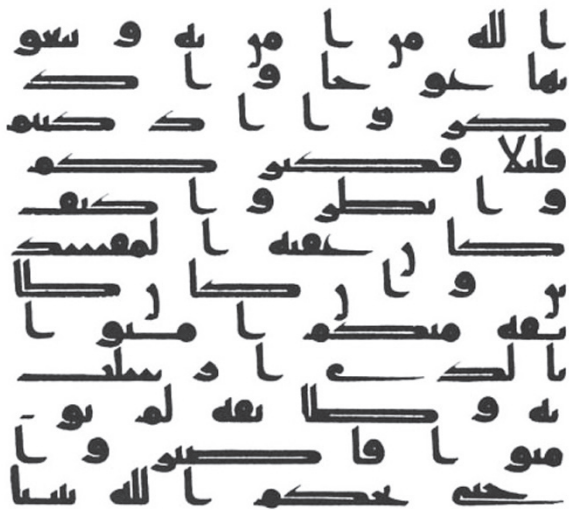
سیر جغرافیایی اندیشه تغییر خط چگونه بوده است؟

آیا بحث تغییر خط در ایران، از زمان فتحعلی آخوندزاده آغاز شده است؟ یا در دوره‌های قبل از آخوندزاده تا قرن اول هجری نیز وجود داشته است؟ چرا آخوندزاده به فکر تغییر خط فارسی افتاد؟ و آیا او واقعاً اولین نفر بوده است؟ چرا پیشگامان فعال در عرصه تغییر خط، همه در خارج از کشور بوده‌اند؟ چرا طبقه روشنفکر و غرب‌گرا، ابتدا به فکر تغییر خط افتاده‌اند؟ چه گروه‌هایی با تغییر خط مخالف‌اند و چرا؟ چرا تلاش برای تغییر خط در ایران قرن سیزدهم، به ثمر نرسید؟ و سؤالات بسیاری دیگر.

همان‌طور که می‌دانید، خط با دلایل گوناگونی، همانند تغییر حکومت، تغییر ابزار نگارش، ورود فناوری، معایب خط، نفوذ فرهنگ جدید و تغییر زبان علم، تغییر می‌کند. این دلایل هر کدام به تنهایی و یا با هم، می‌توانند علت تغییر خط در کشوری و یا منطقه‌ای شوند.

چکیده: تغییر خط با دلایل گوناگونی همانند تغییر حکومت، تغییر ابزار نگارش، ورود تکنولوژی، معایب خط، نفوذ فرهنگ جدید و تغییر زبان علم، صورت می‌پذیرد. این دلایل هر کدام به تنهایی و یا با هم، می‌توانند علت تغییر خط در کشور یا منطقه‌ای بشوند. به طور حتم اگر موضوع تغییر خط، فارغ از تغییر حکومت‌ها در نظر گرفته شود، نمی‌تواند زمان معین و روشنی به همراه داشته باشد؛ چرا که عوامل ایجاد کننده آن، اتفاقات لحظه‌ای نیستند. ابداع خط و کاربرد آن، از جمله اختراعات تدریجی هستند که به مرور زمان، تکمیل یا تغییر پیدا می‌کنند. تغییر خط در ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. این مسئله، دارای تاریخچه‌ای طولانی است. نویسنده در مقاله حاضر سعی در ارائه تاریخچه اندیشه تغییر خط در ایران دارد. وی در راستای این هدف، ابتدا به طور مختصر خط ایرانیان پیش از اسلام و چگونگی تغییر خط کوفی به خط پهلوی را بررسی می‌نماید. سپس به مبحث زمینه‌های پیدایش تفکر تغییر خط در قرون اخیر وارد می‌شود و برخی عواملی که در این قضیه دخیل بوده‌اند را برمی‌شمرد. برخی از این عوامل عبارتند از: ورود صنعت چاپ به ایران، تغییر اوضاع اجتماعی در ایران و شکست‌های ایران از روسیه، اصلاحات در ایران، تأثیر عثمانی و ایرانیان عثمانی بر ایران؛ که نویسنده به شرح هر کدام از این عوامل می‌پردازد. در بخش دیگر مقاله، زمره‌ای تغییر خط در خارج از ایران و تغییر خط عربی در برخی کشورها و نیز خط جدید ترکیه را مورد مذاکره قرار داده است. وی با بیان چگونگی ورود بحث تغییر خط از خارج به ایران، اوج مباحثات تغییر خط در ایران و برشمردن دلایل به ثمر نرسیدن این فعالیت‌ها، مباحث خود را ادامه می‌دهد. نویسنده در نهایت، با ذکر افول بحث تغییر خط، همراه انقلاب اسلامی و تغییر خط نهایی در ایران، مقاله خویش را به پایان می‌رساند.

کلیدواژه: تغییر خط در ایران، تاریخچه تغییر خط، تغییر خط عربی.



فتح الفتوح، اسلام به این سرزمین راه یافته و جای کیش پیشین ایرانیان را گرفت، خط کوفی که خط کتاب آسمانی دین اسلام بود و با آن پشتیبانی می‌شد، در زمانی نزدیک به دو بیست سال، خط پهلوی را پس زده، و جای آن را گرفت و چون تا اندازه‌ای آسان‌تر و بهتر از خط پهلوی بود، خیلی زود جایی برای خود باز کرد و خط پهلوی را برای همیشه از میدان بدربرد و از آن پس همه نوشته‌های ایرانیان و زبان فارسی با خط «کوفی» و خط «نسخ» که هر دو از خط‌های باستان عرب‌ها بود، نوشته می‌شد. خط پهلوی نیز تنها ویژه موبدان و زردشتیانی که به اسلام نگرویده بودند و همچنین پارسیان هند شد و نیمه‌جان با ماند تا در سده‌های هفتم و هشتم هجری برای همیشه از رده خط‌های زنده جهان بیرون رفت.^۳

خط عربی نیز تا سال ۱۴۶ هجری چندین تغییر را پذیرا شد. اما فعلاً از سر مسامحه، از تغییرات خط عربی تا قرن هشتم هجری و نیز تغییر خط فارسی از خط نسخ به نستعلیق می‌گذریم.^۴

اما برای روشن شدن سؤالاتی که در ابتدای مقاله، طرح شد و اینکه آیا واقعاً بحث تغییر خط از قرن سیزده آغاز شده است یا خیر، لازم است مقدماتی برای ترسیم فضای بهتر بحث از قرن هشتم هجری به بعد، بیان کنیم تا سیر تاریخی استدلال‌ها منطقی شوند.

اگر صبور باشید و همراه ما بمانید، خواهید دید که اکنون، خط تابعی از فناوری است؛ بنابراین حرکت صعودی فناوری را شاید بتوان موقتاً کند یا منحرف کرد، ولی این حرکت در طول زمان به سیر مستقیم خود دوباره ادامه می‌دهد و همانند آب جاری، کوتاه‌ترین مسیر را برای خود انتخاب می‌کند.

به طور حتم اگر موضوع تغییر خط، فارغ از تغییر حکومت‌ها در نظر گرفته شود، نمی‌تواند زمان معین و روشنی به همراه داشته باشد؛ چرا که عوامل ایجادکننده آن، اتفاقات لحظه‌ای نیستند. ابداع خط و کاربرد آن، از جمله اختراعات تدریجی هستند که به مرور زمان تکمیل و یا تغییر پیدا می‌کنند.^۱

بنابراین، تغییر خط در ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست و موضوع تغییر خط در آن دارای تاریخچه‌ای طولانی است، که به بخش عمده‌ای از آن اشاره می‌کنیم.

خط ایرانیان پیش از اسلام

پیش از اسلام و چیرگی مسلمانان بر ایران، زبان و خط ایرانیان پهلوی بود. روی هم رفته، آنچه زبان پهلوی نامیده می‌شود، رشته‌های زبان پارسی میانه را از زمانی که زبان پارسی باستان فراموش شده تا هنگامی که الفبای عربی در ایران به کار رفته و پارسی کنونی پدید آمده است، در بر دارد. خط پهلوی که نوشته‌های لهجه‌های دوره اشکانی (پهلوی حقیقی) و ساسانی (پارسیک) بدان نوشته می‌شده، از آرامی که از خانواده خط‌های سامی است، گرفته شده و یکی از دشوارترین و پیچیده‌ترین خط‌های جهان است.

در فرجامین سال‌های دوره ساسانی، دانشمندان و موبدان به علت دیگرگونی‌هایی که در زبان ایرانیان روی داده بود و بیم آن وجود داشت که «اوستا» کتاب دینی ایرانیان زردشتی که از نادانی‌های اسکندر زبان بسیار دیده بود، دستخوش این دیگرگونی‌ها و فراموشی‌ها گردیده و بازمانده آن نیز پاک از میان برود، بر آن شدند اوستا را از این گرداب بیمناک و همچنین از غلط‌خوانی (از دیده تجوید و قرائت) رها کرده و خط رسا و درستی که همه صداهای زبان اوستا را در برداشته و بتوانند با آن زبان اوستا را چنان که هست، بنویسند، پدید آورند؛ از این رو برای صداهایی که در خط پهلوی نماینده نمی‌داشت (مانند زبر و زیر و پیش خط کنونی که نمی‌نویسند، ولی می‌خوانند) و چند صدای دیگر که در زبان اوستا بود، ولی در زبان و خط پهلوی نبود، نشانه‌هایی پدید آورده، به خط پهلوی افزودند و بدین سان خط اوستایی یا «دین دبیره» را که یکی از رساترین و بهترین خط‌های جهان است پدید آوردند.

ولی باید دانست این خط تنها ویژه نوشته‌های اوستایی بوده و دیگر کتاب‌ها و نامه‌ها و سنگ‌نبشته‌های این دوره همگی با خط پهلوی بوده است.^۲

چگونه خط پهلوی جای خود را به خط کوفی داد؟

چون مسلمانان بر ایران چیره درآمدند و با شکست ایرانیان در جنگ

۱. رک: مقاله دیگر نویسنده این مقاله درباره «تغییر خط در امپراطوری اسلامی»، که گویای همین مطلب است.

۲. رک: یحیی ذکا؛ «در پیرامون تغییر خط فارسی».

۳. همان.

۴. رک: کاظم استادی؛ «گاهشمار تغییر خط فارسی»، مجله بهارستان؛ بهار ۱۳۹۱.

زمینه‌های پیدایش تفکر تغییر خط در قرون اخیر

مقدمه

پس از شکست مسلمانان اندلس در سال ۱۴۹۲ میلادی، اسپانیا بار دیگر به دست مسیحیان افتاد. در همان سال قاره آمریکا کشف شد و سیل ثروت آن روانه اسپانیا شد.

در کشور ایران نیز همزمان در دوران صفویه، ایران به اوج اقتدار خود رسیده بود. از قندهار تا بخارا و از گرجستان تا نجف و بصره و تمامی اراضی فعلی ایران، قلمرو ایران بود. تشکیل دولت صفوی در آغاز

قرن دهم هجری قمری (شانزدهم

میلادی) از نظر بسیاری از مورخان و پژوهشگران، رویدادی مهم و تعیین‌کننده در تاریخ ایران به شمار می‌آید؛ زیرا اوضاع ایران پس از این رویداد نسبت به قبل از آن به میزان چشمگیری تغییر یافت.

فتحعلی از ضرورت ایجاد الفبای جدید و اینکه بدون اصلاح خط هیچ گونه پیشرفتی امکان ندارد، سخن گفت؛ اما میرزا حسین خان اندیشه‌های دیگری در سر داشت و به سخنان فتحعلی توجهی نکرد.

با روی کار آمدن شاه عباس اول و به دنبال اقدامات او، وضع دگرگون شد. وی به کمک مشاوران و سپاهیان وفادار خود، ایران را به صورت کشوری یکپارچه و متحد درآورد. با یک رشته لشکرکشی‌های پی در پی، امیران سرکش قزلباش را سرکوب کرد و نظارت دولت بر کشور را گسترش داد.

در پی این اقدامات، امنیت برقرار شد و فعالیت‌های بازرگانی، کشاورزی و صنعتی رونق گرفت؛ اما به دلیل نبود ارتباطات مناسب و دوری مسافت، صنعت چاپ که در قرن نهم هجری در آلمان توسط گوتنبرگ، پدید آمده بود و پس از پنجاه سال، سراسر اروپا را فرا گرفته بود، هنوز به ایران راه نیافته بود؛ اما از آن سو در این دوران، خطاطی ایرانی به اوج رسیده بود و تازه خط نستعلیق رواج یافته بود.

۱. ورود صنعت چاپ به ایران

هنگامی که صفویان در ایران به قدرت رسیدند، چندین سال از بیدار شدن اروپاییان از خواب گران قرون وسطایی می‌گذشت و کشورهای اروپایی، شتابان به سمت دگرگونی و پیشرفت حرکت می‌کردند. قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی، اوج نهضت پروتستان و رنسانس در اروپا و از سوی دیگر آغاز تکاپوی استعماری غرب در سرزمین‌های دیگر بود. در این دوران صنعت چاپ پیشرفت‌های چشمگیری پیدا نموده بود و هر روز حروف‌های جدیدی برای الفبا در اروپا طراحی می‌شد. در همین دوران تازه خط شکسته نستعلیق داشت رواج پیدا می‌کرد و از صنعت چاپ در سراسر ایران خبری نبود.^۵

۵. البته قدیمی‌ترین کتاب موجود، در فلای اصفهان است، که با استفاده از حروف مجزای سریبی و خط فارسی (اواخر سلطنت شاه صفی)، توسط ارامنه کرملی در سال ۱۰۱۹ شمسی چاپ شده است؛ و این استثنا بود.

اما در ایران، پس از مرگ کریم خان، جنگ داخلی سراسر کشور را فرا گرفت و در گوشه و کنار ایران بار دیگر مدعیان قدرت به رقابت و نبرد با یکدیگر پرداختند. بدین ترتیب، دوره فرمانروایی زندیان بر ایران به پایان رسید و حکومت خاندان قاجار تأسیس شد.

در اوایل قرن سیزدهم هجری، یعنی چند سال بعد از درگذشت کریم خان زند و آغاز کار محمدخان قاجار، انقلاب فرانسه در اروپا روی داد. در پی آن حوادث شگرفی مانند ظهور ناپلئون و جنگ‌های پی‌پی او، جنبش توده‌ها و پیشرفت فن جنگ و پیدایش اسلحه و ابزار نو مانند آنها رخ داد. دولت‌های بزرگ و نیرومندی در جهان پدید آمد و اساس حکومت‌های ملی در کشورهای اروپایی برقرار گردید. مردم و دربار ایران نه تنها از این پیشامدها و دگرگونی‌ها تکان نخوردند، بلکه آگاهی درستی از آن نهضت‌ها هم به ایران نرسید و کشور ایران باز مدت‌ها راه و رسم زندگی دیرین خود را همچنان در پیش گرفت.

اما وقوع جنگ میان ایران و روس و شکست ایران و تأمل در علل این شکست‌ها، شماری از ایرانیان را بیشتر متوجه تحولات کشورهای اروپایی کرد و توجه عده‌ای را به عقب‌ماندگی و ناتوانی کشور جلب کرد. جنگ با روسیه و رفت و آمدهای نظامی و میل شدید عباس میرزا، فرزند فتحعلی شاه، به اخذ و ترویج فنون و صنایع جدید اروپا، راه ورود تمدن غرب را به ایران باز کرد.

در این دوره، ایرانیان با اروپا خوب آشنا شدند. با این آشنایی، در آغاز حکومت قاجاریه با فرستادن نمایندگان و مأموران رسمی دولتی و اعزام عده‌ای به عنوان دانشجویان کسب علوم و فنون به اروپا، این افراد علاوه بر اینکه خود تحت تأثیر تمدن کشورهای اروپایی قرار گرفتند، اغلب، پس از بازگشت با نوشتن سفرنامه‌هایی افراد دیگر را هم در جریان تحولات اروپا قرار می‌دادند.

سیاست کشورهای اروپایی که زائیده منافع اقتصادی آنان بود، در اوضاع اجتماعی ایران تأثیر بخشید و ورود هیئت‌های سیاسی و لشکری و اقداماتی که برای اصلاح سپاه ایران صورت گرفت و برقراری ارتباط مستمر با اروپا تخم افکار نورا در سرزمین ایران پراکند.

نهضت تجد خواهی نیز از آذربایجان - که با روسیه و عثمانی هم مرز و به اروپا نزدیک تر است - شروع شد و تبریز مرکز مهم فعالیت‌های نظامی و سیاسی ایران گردید و کم‌کم شاگردان برای فرا گرفتن علوم به انگلستان، و کارگران برای آموختن صنایع به روسیه اعزام شدند و کارخانه‌های توپریزی و باروت‌سازی و پارچه‌بافی احداث گردید و به تأسیس چاپخانه و تألیف کتب و ایجاد روزنامه همت گمارده شد.

عباس میرزا و مشاوران او، قائم مقام فراهانی، از نخستین کسانی

کشید و شهر هرات را در محاصره گرفت؛ اما در نتیجه کارشکنی های مأموران بریتانیا، این جنگ و لشکرکشی به نتیجه نرسید و شاه ایران به واسطه رفتار خصمانه و تهدید آمیز دولت انگلیس، پس از نه ماه محاصره این شهر، عقب نشینی کرد. سال بعد به پایتخت بازگشت و افغانستان به دلخواه انگلیسی ها از پیکر ایران جدا شد.

بقیه دوران سلطنت محمد شاه مصرف خواباندن فتنه ها و آشوب هایی بود که به دست عمال داخلی و تحریک سیاست خارجی، هردم در گوشه و کنار کشور پدید می آمد.

در همین دوران، چهارمین پادشاه قاجار، ناصرالدین شاه، فرزند محمد شاه که نزدیک به پنجاه سال برایان حکومت کرد، به پادشاهی رسید. در زمان او روابط ایران با کشورهای اروپایی توسعه یافت^۹ و در نتیجه، ایرانیان از پیشرفت های اقتصادی و سیاسی اروپایی ها بیشتر آگاه شدند.^{۱۰}

گسترش مناسبات با اروپا پیامدهای متفاوتی در ایران داشت. یکی، موجب افزایش آگاهی مردم ایران و تمایل آنها به ایجاد اصلاحات و تغییرات اساسی در اوضاع سیاسی و اداری کشور شد. این تمایل و خواست همگانی زمینه ساز بروز جنبش های مردمی متعددی شد.

از همین روزها بود که جستجو و پژوهش درباره شون و انگیزه پسماندگی و ناآگاهی و زبونی شرقیان به ویژه ایرانیان و پیشرفت و پیروزی اروپاییان، در میان مردان نیکخواه و دانا و گروه دانشمندان و نویسندگان ایران آغاز شد، اندیشه ها به کار افتاد، خامه ها به نوشتن آغاز کرد و هر کسی به فراخور دانش و آگاهی های خود، دردهایی یافت و داروهای نمود.^{۱۱}

۳. اصلاحات در ایران

در دوره ناصرالدین شاه، اصلاحاتی در ایران آغاز شد که به دنبال اصلاحاتی بود که در دولت عثمانی اتفاق افتاد بود.

میرزا تقی خان فراهانی، مشهور به امیرکبیر، از صدر اعظم ایران در دوره ناصرالدین شاه قاجار بود. اصلاحات امیرکبیر اندکی پس از رسیدن وی به صدارت آغاز گشت و تا پایان صدارت کوتاه او ادامه یافت. مدت صدارت امیرکبیر ۳۹ ماه (سه سال و سه ماه) بود.

۱. وی مؤسس دارالافتون (به تقلید از دولت عثمانی) بود که برای آموزش دانش و فناوری جدید به فرمان او در تهران تأسیس شد.

بودند که با پی بردن به عمق و علت عقب ماندگی ایران، در صدد جبران آن برآمدند. یکی از اقدامات مهم عباس میرزا در زمینه نوگرایی و تجدد خواهی، اعزام هفت دانشجویه انگلستان برای تحصیل علوم و فنون جدید بود.^۶ بعضی از این دانشجویها در بازگشت به وطن به کارهای مهمی دست زدند؛ از جمله یکی از آنان به نام «میرزا صالح شیرازی» اولین چاپخانه دولتی را به راه انداخت و نخستین روزنامه را به نام «کاغذ اخبار» در سال ۱۲۵۳ قمری منتشر کرد.

تغییر اوضاع اجتماعی در ایران و شکست های ایران از روسیه

فتحعلی شاه در نتیجه جنگ ها و خونریزی های عموی خویش و دشمنان سرسختی که از این راه پیدا کرده بود، در ۳۷ سال پادشاهی خود، همیشه گرفتار حوادث داخلی و خارجی بود.

روس ها که به تدریج در ماورای حدود شمالی ایران پیشرفت می کردند، ابتدا گرجستان را از ایران جدا کردند و بعد به فکر سایر امیرنشین های قفقاز افتادند. ایران که از الحاق گرجستان به روسیه ناراضی بود، خود مقدمات جنگ را فراهم کرد و امیدوار بود دولت انگلیس در جنگ با روسیه به یاری او برخیزد. در سال ۱۲۱۹ ق نخستین جنگ روس و ایران در گرفت. پس از نه سال جنگ بیهوده، نه تنها گرجستان، بلکه هشت ایالت دیگر نیز از دست ایران رفت و حق کشتیرانی در آب های ساحلی دریای خزر هم از کشور ایران سلب گردید.^۷

پانزده سال بعد، به بهانه اختلاف مرزی، بار دیگر، جنگ در میان ایران و روسیه در گرفت، اما باز انگلیسی ها از ساندن کمک خودداری کردند و در میان دو دولت به میانجیگری پرداختند. ایران در این جنگ هم شکست خورد و ایروان و نخجوان و بقیه اراضی ماورای رود ارس از پیکر او جدا شد و بار سنگین خسارات و غرامات اردو کشی به دوش او افتاد و این جنگ ها و شکست ها نفوذ روس را در ایران تحکیم و حق کاپیتولاسیون را برای اتباع روس و بعدها برای خارجیان دیگر تثبیت کرد.^۸

عباس میرزا، نایب السلطنه، در سال ۱۲۴۹ ق در خراسان درگذشت و سال بعد پدرش، فتحعلی شاه، در اصفهان از دنیا رفت. محمد شاه، فرزند عباس میرزا از سال ۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ ق چهارده سال بر کشور ایران پادشاهی راند. در دوران سلطنت کوتاه این پادشاه نتایج شوم عهدنامه گلستان و ترکمن چای و عوارض جنگ های بد فرجام ایران و روس بروز کرد. رقابت بیگانگان بر سر تحصیل نفوذ در ایران قوت یافت.

محمد شاه در سال ۱۲۵۳ ق، به امید حمایت روس ها به خراسان لشکر

۶. عباس میرزا در اقدامی دیگر، برای آشنا کردن ایرانیان با تمدن جدید غرب، فرمان داد مترجمان زبردست، کتاب های گوناگونی را که درباره اوضاع اروپا نوشته شده بود، از زبان های اروپایی به فارسی ترجمه کنند.

۷. معاهده گلستان، شوال ۱۲۲۸ ه. ق.

۸. میرزا علی خان امین الدوله؛ خاطرات سیاسی؛ ص ۱۱.

۹. از اوایل دوره صفویه، ایرانیان کم و بیش با اروپایی ها آشنا شدند. علل این آشنایی یکی حضور استعمارگران در اقیانوس هند و خلیج فارس و دیگری تمایل اروپاییان به گسترش روابط خود با ایران بود.

۱۰. ناصرالدین شاه خود پس از سه بار سفر به اروپا، سرانجام تن به ایجاد تغییراتی در نظام سیاسی، اداری کشور به طرز جدید اروپایی داد.

۱۱. رک: یحیی ذکا؛ «در پیرامون تغییر خط فارسی».

حسین خان سپهسالار که در دوران دوازده ساله سفارتش در اسلامبول (۱۲۷۵-۱۲۸۷ق)، در دل عصر تنظیمات عثمانی، با رجال برجسته تنظیمات آشنا شده بود و از اندیشه‌ها و اقدامات ایشان متأثر گردیده بود، در ایران عصر ناصری پدید گشت. ابداعات سپهسالاری به صورتی بی‌مایه‌تر، کمابیش توسط پادشاه قاجار و اخلاف سپهسالار تداوم یافت. در ایران نیز همانند عثمانی، واکنش‌های منتقدانه به تدریج شکل گرفت و تلاش‌های اصلاح طلبانه بیرون از حاکمیت به وجود آمد.

۴. تأثیر عثمانی و ایرانیان مهاجر در عثمانی بر ایران

در نخستین دهه‌های سده سیزدهم، دو مرکز اصلی اصلاحات به سبک غربی، یکی در عثمانی و دیگری در مصر وجود داشت که در هر دو، انتشار ترجمه کتاب‌های غربی در اولویت بود.

در زمان ناصرالدین شاه بی‌توجهی پادشاه به اصلاحات و رکود کشور باعث مهاجرت شمار چشمگیری از نویسندگان و آزادی خواهان به اروپا و قلمرو عثمانی گردید. این امر باعث به وجود آمدن کانون روزنامه نگاران تبعیدی ایران در اروپا و آسیا شد.

اولین روزنامه آزادی خواهان مهاجر در سال ۱۸۷۶م به نام اختر به مدیریت محمد طاهر تبریزی در استانبول منتشر شد.^{۱۴}

در این زمان، استانبول به عنوان یکی از مهم‌ترین منازل تجدد ایران در امتداد کاروان تجدد غرب، واسطه ارتباط ایران با دنیای غرب بود، که دو دوره مهم را در بر می‌گیرد: دوره نخست که می‌توان آن را دوره تجدد آزادی خواهان نامید، شامل دهه‌های پایانی قرن نوزدهم است که در آن ایرانیان مقیم استانبول با افکار تنظیمات آشنا شدند و کسانی که از استبداد قاجاریه بدان پناه برده بودند، زمینه‌های انقلاب مشروطیت ایران را فراهم آوردند.

استانبول به سبب وضع جغرافیایی اش میان آسیا و اروپا و به سبب نزدیکی اش با غرب و به خاطر دوران درخشان امپراتوری عثمانی، کانونی بود برای همه مسلمانانی که خواهان آشنایی با تمدن جدید بودند. وجود اقلیت‌های یونانی و ارمنی و همچنین روابط ویژه‌ای که این شهر با ماری، اسکندریه و دیگر بنادر دریای مدیترانه داشت، ویژگی‌های اروپایی آن را بیشتر می‌کرد. خارجی‌ان در استانبول بسیار بودند و سیاحان گوناگون به آن رفت و آمد می‌کردند.

برای ایرانیان نیز استانبول از لحاظ گوناگون محل مناسبی بود: نخست آنکه دارالاسلام بود و مرکز خلافت و زندگی در آن از زندگی در سرزمین کفار راحت‌تر و پسندیده‌تر بود. افزون بر آن، اشتراکات تاریخی، فرهنگی و زبانی را نیز نباید از یاد برد. مهاجران در این شهر، هم با افکار غربی تماس داشتند و هم به ایران نزدیک بودند و هم از

۲. همچنین پس از روزنامه «کاغذ اخبار»، امیر کبیر روزنامه «وقایع اتفاقیه» را در سال ۱۲۶۷ق منتشر کرد.^{۱۵}

۳. نیز دستور داد کتاب‌های مهم اروپایی را باز به تقلید از کشور عثمانی ترجمه کنند.

در دوران آغاز اصلاحات، کسان بسیاری چاره اصلاحات را در «سواد» دانستند و همیشه چنین می‌گفتند و می‌نوشتند: «باید مدرسه باز کرد و مردم را با سواد گردانید. مردم اگر با سواد باشند، حدود و حقوق خود را می‌شناسند و همه این گرفتاری‌ها رفع می‌شود» و نیز می‌گفتند چون مردم خواندن و نوشتن را بیاموزند و اندکی از دانش‌ها را فرا گیرند، خود خواهند توانست از این ناآگاهی و زبونی به درآیند و در راه پیشرفت افتند.

چون نخستین کار در دبستان‌ها و در راه با سواد کردن مردم، یاد دادن الفبا به خردسالان و کودکان است، از این رو گروهی از این دسته، توجه بیشتر خود را به خط و الفبا برگردانیده، آن را نارسا و معیوب و پیچیده یافتند^{۱۶} و آموختن آن را به کودکان و خردسالان با آن مغزهای کوچک و اندیشه‌های ساده، کاری بس دشوار دیدند و به آرزوی «تغییر خط» و «اصلاح الفبا» افتادند و از همین جا بود که این اندیشه پدید آمد و پیشرفت یافت و کسان بسیاری درباره آن آغاز به نوشتن و گفتن کردند.

همچنین کسانی از ایرانیان و دیگران، چون به اروپا می‌رفتند و پیشرفت کشورهای قانونی آنجا را می‌دیدند، آن پیشرفت را همه از بودن «قانون» دانسته، پس ماندن ایران و دیگر کشورهای آسیایی را از نبودن آن می‌شمردند، و این بود کسانی از آنان از حاجی میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم خان و میرزا علیخان امین‌الدوله و دیگران می‌کوشیدند در ایران نیز قانون حاکم باشد.

با پی‌گیری‌های میرزا حسین خان سپهسالار که دوران وزارت، صدارت و سپهسالاری او نزدیک به نه سال طول کشید، بخشی از آخرین اصلاحات در ایران انجام پذیرفت.

شاید بتوان گفت گونه پست تر همان اصلاحات عثمانی، توسط میرزا

۱۲. در بخش اخبار خارجی، بیشتر اخبار مربوط به کشورهای اروپایی به چاپ می‌رسید. این اخبار از روزنامه‌های اروپایی گرفته و با ترجمه روان فارسی در روزنامه منتشر می‌شد.

۱۳. معایب و اشکالاتی که طرفداران تغییر الفبا برای خط فارسی می‌شمردند، فراوان است؛ مهم‌ترین آنها از این قرارند: ۱. الفبای فارسی حروف صدا دار ندارد و حرکات که نماینده حروف با صدا هستند، به صورت حرف معینی در جزو کلمه نمی‌آیند. ۲. هر حرف شکل جداگانه مشخص و مستقلی ندارد و از ۳۲ حرف الفبای فارسی تنها ۱۶ حرف آن دارای شکل مخصوص است. ۳. حروف غالباً مشابه‌اند و با اندک غفلتی به جای هم نوشته می‌شوند و مطلب را به کلی دگرگون می‌سازند. ۴. بعضی از حروف خوانده می‌شوند، ولی نوشته نمی‌شوند. ۵. بعضی دیگر نوشته می‌شوند، ولی خوانده نمی‌شوند. ۶. پاره‌ای از حروف به صورتی جراتناچه نوشته می‌شوند به تلفظ می‌آیند. ۷. بعضی از حروف برای بیان چند تلفظ جداگانه به کار می‌روند. ۸. حروف در کتابت به هم متصل می‌شوند و بر حسب آنکه در اول و وسط و یا آخر کلمه قرار گیرند، صورت اصلی خود را از دست داده، به صورت اشکال گوناگون نمایان می‌گردند. ۹. برای ادای بعضی صداها که در زبان فارسی همه یکسان تلفظ می‌شوند، چندین حرف مقرر شده است. ۱۰. نوشتن از چپ به راست آسان‌تر است.

۱۴. رک: کاظم استادی؛ «روزنامه اختر و تغییر خط»، بهارستان: ۱۳۹۱.

شروع زمره تغییر خط در خارج از ایران

آخوندزاده که به زبان‌های شرق و فرهنگ جهان‌آشنایی عمیقی داشت، معتقد بود الفبای مرسوم و متداول عربی، نقایص و معایبی دارد. او در صدد برآمد الفبای عربی را اصلاح کند و آن را برای احتیاجات مردم ترک‌زبان و فارسی‌زبان مناسب سازد.

فریدون آدمیت در علت طرح تغییر خط از سوی آخوندزاده می‌نویسد:

دو عامل تازه در ذهن میرزا فتحعلی، تا اندازه‌ای مؤثر افتاد و او را در عقیده تغییر خط راسخ گردانید: یکی مضمون نامه شارل میسمر فرانسوی، مشاور فوآد پاشا، صدراعظم عثمانی بود. او تغییر الفبای ترکی و اخذ الفبای لاتینی را پیشنهاد کرد...^{۱۷} و دیگر آزمایش عملی دولت روس، پس از تصرف داغستان.^{۱۸}

آدمیت ادامه می‌دهد:

آخوندزاده به ملکم می‌نویسد: دولت روس پس از تسخیر داغستان، یعنی از دو سال پیش، برای زبانهای مردم (اوارو چچن و چرکس) الفبای جداگانه‌ای با حروف لاتین درست کرده‌اند و در مدارس آن جا، که تازه گشاده‌اند، خط جدید را تدریس می‌کنند و پاره‌ای کتاب‌های اسلامی را به همان خط برگردانده‌اند. آنان صاحب سواد و علم خواهند شد. اما اهل بسایط قفقاز، قریب به دو میلیون، از نکت خط قدیم اسلام، مثل حیوان هنوز کوروی سواد مانده‌اند.^{۱۹}

اولین دلیل آدمیت، اشتباه است؛ چراکه مکتوب «شارل میسمر فرانسوی»، مربوط به ۱۲۴۷ شمسی است؛ در صورتی که آخوندزاده در سال ۱۲۳۶ شمسی از تنظیم نخستین الفبای اختراعی خود که یک الفبای بدون نقطه با حروف متصل بود، فراغت یافت و رساله‌ای نیز برای پیشنهاد کردن این الفبا به جای الفبای عربی فراهم آورد.^{۲۰}

دومین دلیل او نیز اشتباه است؛ چراکه او آن نامه را در یازدهم تیر ۱۳۵۰ ش می‌نویسد و در آن متذکر شده است: «دو سه سال قبل که خط داغستان تغییر کرد». بنابراین در این زمان (مابین ۱۳۴۷ - ۱۳۵۰ ش) حدود دوازده سال از ابداع خط آخوندزاده گذشته است.^{۲۱}

۱۷. رک: کتابخانه ملی ایران، مجموعه خطی شماره ۱۴۹، ترجمه دیگران، در مجموعه خطی شماره ۱۴۸ کتابخانه ملی موجود است (رک: اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده).

۱۸. داغستان یکی از جمهوری‌های خودمختار روسیه در خاور قفقاز و ساحل باختری دریای خزر است. پیشینه مردم داغستان از اقوام مختلف نژاد قفقازی هستند؛ به واسطه حضور گروه‌های قومی بسیار گوناگون در این سرزمین به جز روسی، بیش از سی زبان دیگر نیز در داغستان صحبت می‌شود.

۱۹. فریدون آدمیت؛ اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده؛ ص ۷۵، ۷۶. همچنین در نوشتن جمعیت علمی عثمانی نیز این مطلب اشاره شده است.

۲۰. رک: ضمیمه نسخ خطی: سواد تقریر جمعیت علمیه عثمانیه در کتابخانه سپهسالار.

۲۱. الفبای جدید و مکتوبات؛ ص ۲۲۹. نیز رک: رساله رسم الخط آخوندزاده؛ ۱۲۳۶ ش.



آزاد دولت قاجار در امان. گروه‌های مختلف ایرانی در استانبول که تعداد آنها را شانزده هزار نفر نوشته‌اند، با استفاده از کمک مالی تجار، بیمارستان و مدارس ایرانی و انجمن‌ها و روزنامه‌ها تأسیس کردند. در میان این مهاجران از تاجر و معلم تا نویسنده و شاعر دیده می‌شد.^{۱۵}

دوره دوم مهاجرت به استانبول که می‌توان آن را دوره تجدد مشروطه طلبانه نامید، سال‌های نخستین قرن بیستم را در بر می‌گیرد که در آن مهاجران دوره استبداد صغیر در این شهر با ترکان جوان هم‌آواز شدند و استقرار واقعی مشروطیت و اخذ تمدن جدید را خواستار شدند.

پس از سخت‌گیری‌های دولت عثمانی نسبت به ایرانیان که منجر به تعطیلی روزنامه اخترا و اخراج میرزا آقاخان و شیخ احمد روحی شد، مدت ده سال فعالیت مهمی در استانبول انجام نگرفت؛ اما از ۱۹۰۸ م به بعد، دیگر با ایرانیان مقیم و مهاجران در این شهر دست به فعالیت زدند. استانبول برای بار دوم مرکز فرهنگی و سیاسی مهمی شد و بر سر راه کسانی قرار گرفت که میان ایران و اروپا در رفت و آمد بودند: دهخدا، علامه قزوینی، تقی‌زاده، جمال‌زاده. البته تجمع مهاجران ایرانی در استانبول در این دوره نسبت به دوره پیشین پر شمارتر و پر جنب و جوش‌تر بود.^{۱۶}

۱۵. طالب عابدی؛ تأثیر استانبول بر حرکت‌های دولتمردان و آزادیخواهان ایرانی؛ ص ۱۲۴.

۱۶. رضا دهقانی؛ استانبول تجددگاه روشنفکران ایرانی.



آن ذکر شده:

پذیرش رسم الخط جدید هیچ محدور شرعی ندارد، بلکه فوائد و محسنات فراوان دارد. البته تحصیل رضایت عمومی به هنگام اصلاح و تغییر بسیار مشکل خواهد بود... فعلاً فقط اجازه داده شود که این رسم الخط به عنوان یکی از خطوط اسلامی مطرح شود و به این افتخار مفتخر گردد.

همچنین در جلسه هفته، بعد از حضور آخوندزاده و در غیاب او، این موضوع از سه جهت مورد بررسی قرار گرفت:

۱. آیا رسم الخط فعلی نیاز به اصلاح و اکمال دارد؟
۲. در صورت پذیرش رسم الخط جدید، آیا این پدیده برای رسیدن به همه اهداف مورد نظر کافی می باشد؟
۳. آیا انجام این اصلاحات و تعمیم آن امکان پذیر است؟^{۲۷}

اما مهمان نوازی پاشایان و روحانیان ترک که در انجمن گرد آمده بودند، از حد تشریفات و تعارف تجاوز نکرد و اگر چه همگی آن را پسندیدند، ولی ظاهراً اقدام عملی برای نشر آن نمودند. آخوندزاده در این باره می نویسد:

به علت اینکه باز برای عمل چاپ در این کتابچه الفباء به واسطه اتصال حروف در ترکیب کلمات صعوبت مشاهده می شد، گفتم که در این صورت باید تغییر کلی کلمات به الفباء سابق اسلام داده شود؛ یعنی حروف الفبای اسلام نیز

۲۷. رک: سواد تقریر جمعیت علمیه عثمانیه. نسخه خطی، کتابخانه سپهسالار.

در همین دوران، مسیو بارب، ناظر مدرسه السنه شرقیه وین، خطی برای خط اسلام، اختراع نمود و چند کتاب فارسی و عربی را به همان خط دروین منتشر کرد.

منیف افندی^{۲۲} یا همان منیف پاشا وزیر دولت عثمانی نیز در سال ۱۲۳۹ شمسی رساله ای درباره تغییر خط نوشت و دو سال بعد، یعنی در ۱۳ ذی قعدة ۱۲۷۸ خطابه ای درباره ضرورت اصلاح الفبا در جمعیت علمیه عثمانیه ایراد کرد که خود منشأ آشنایی و ارتباط او با میرزا فتحعلی آخوندزاده شد.

احتمالاً آخوندزاده پس از اطلاع از اینکه کسانی در عثمانی موافق تغییر خط هستند، علاقه مند شد از طریق عثمانی پیگیر طرح خط خود شود.

آخوندزاده در زندگی نامه خود نوشت خویش می نویسد:

در سنه ۱۸۵۷ مسیحیه از برای تغییر الفبای اسلام در زبان فارسی کتابچه ای تألیف کردم و دلایل وجوب تغییر آن را در این کتابچه بیان نمودم. در سنه ۱۸۶۳ از امپراطورزاده افخم جانشین قفقاس غراندوف میخائیل اجازت حاصل کرده، برای اعلان این خیال عازم اسلامبول شدم. جمیع مخارج سفر را حضرت غراندوف از خزینه مرحمت فرمود و وزیرش غروزیشتنر بایلیچی روس در اسلامبول کاغذ نوشت، که در باب انجام مطالب من در نزد اولیای دولت عثمانیه لازمه تقویت معمول دارد.^{۲۳}

وی رساله خود را که در بیست صفحه پرداخته بود، به همراه تمثیلات ترکیه و حکایت یوسف شاه، به وسیله مترجم سفارت روس به صدراعظم عثمانی، فؤاد پاشا تقدیم کرد.^{۲۴}

صدراعظم عثمانی شخص او را به انجمن دانش یا «جمعیت علمیه عثمانیه»^{۲۵} راهنمایی کرد و آخوندزاده طرح الفبای خود را به انجمن عرضه داشت.^{۲۶}

انجمن نیز رونوشت بیانیه انجمن علمی عثمانی را در تاریخ ۱۵ مرداد ۱۲۴۲ به محضر حضرت وکالت پناهی تقدیم کردند، که در

۲۲. او در فاصله سال های ۱۲۸۹، ۱۲۹۳ و ۱۳۱۳، ۱۳۱۵ سفیر عثمانی در تهران شد. وی در رشته های فیزیک، فلسفه و حقوق در برلین تحصیل کرده بود و دارای تألیفاتی در زمینه حقوق و اقتصاد بود و چندین بار به وزارت های معارف و تجارت رسیده بود. آثار و عملکرد او در تاریخ افکار جدید عثمانی اهمیت بسیاری دارد.

۲۳. همان.

۲۴. رک: خود زندگی نامه نوشت آخوندزاده،

۲۵. وظیفه اش مطالعه راه های مبارزه با بی سوادی و اصلاح نظام آموزشی بود و بر اساس نظامنامه اش، می بایست آثار علمی منتشر شده در اروپا را به زبان ترکی ترجمه و آثار علمی ساده فهم تألیف مینمود. این جمعیت به تقاضای خلیل بیگ، سفیر عثمانی در سن پترزبورگ و به فرمان سلطان، در ذی قعدة ۱۲۷۷ تأسیس شد.

۲۶. یحیی آربن پورز از نیما تا روزگار ما، ج ۳، بخش تغییر خط فارسی.

به نشر علوم، در روزنامه غولوس چاپ پترزبورگ منتشر شد.^{۳۲} در همین سال آخوندزاده، رساله خط اختراعی خود را با دوساله دیگر با خط وامضای خود در سال ۱۲۴۷ش نزد وزیر علوم ناصرالدین شاه، اعتضادالسلطنه،^{۳۳} فرستاد.

پاسخ اولیای دولت ایران به آخوندزاده چنین بود:

الیق وانسب آن است که میرزا فتحعلی آخوندزاده در باب تغییر الفبای اسلام خیالات خود را به اولیای دولت عثمانیه معروض دارد؛ چون که در ابتدا ملاحظه این خیال در آن سلطنت شده است.

ما ملت ایران اصلاً به تغییر الفبای خودمان محتاج نیستیم؛ به علت اینکه ما سه رقم خط داریم: نستعلیق، شکسته و نسخ که در حسن و رعنائی بالاتراز خطوط جمع ملل روی زمین است و ما هرگز این خطوط خودمان را متروک و خط جدید میرزا فتحعلی آخوندزاده و یا ملک خان را معمول نمی‌کنیم و نخواهیم کرد.

در سال ۱۲۴۸ دیگر آخوند زاده تنها نبود و میرزا ملکم خان نیز به جرگه طرفداران تغییر خط پیوسته بود. در این سال، چاپ مقالاتی درباره تغییر خط در روزنامه‌های ترقی و حریت و نگارش مقالات نامق کمال در جواب میرزا ملکم خان رخ داد.

آخوندزاده به درستی راهی که در

پیش گرفته بود، ایمان داشت و در این راه با سختی‌ها و دشواری‌های فراوان روبرو شد، اما هرگز از پای ننشست.^{۳۴} او صدها نامه و رساله‌ای که به رجال دولت‌های ایران و عثمانی و روس و به برخی دوستان خود^{۳۵} فرستاد، از نقص الفبای عربی و اشکالاتی که این خط در تدریس و تحصیل علوم فراهم می‌کند، سخن گفت و ضرورت تغییر آن را با دلایل و مثال‌ها و شواهد بیان نمود. حتی او احتمالاً برای جلوگیری از برخی فشارها، راضی بود خط قدیم در کنار خط جدید علوم باقی بماند.

مانند حروف خطوط یوروپائیان باید مقطعه باشند و خط از طرف دست چپ به طرف دست راست نوشته شود و نقطه‌ها بالکلیه ساقط گردند و اشکال حروف از الفباء لاطینی منتخب گردد و حروف مصوته کلاً در پهلوی حروف صامته مرقوم شوند، خلاصه الفبای سیلابی مبدل به الفباء آلفابتی شود. در قبول این رأی نیز علما و وزاری اسلامبول موافقت نکردند و عداوت و وزیر مختار ایران مقیم اسلامبول میرزا حسین خان نیز نسبت به من مقوی عدم موافقت عثمانیان شد.

اما در عوض دولت عثمانی، وی را با نشان رتبه چهارم و اعطای یک قطعه نشان پادشاهی مجیدی و لوح تقدیر گرانقدر شهریاری، به فرمان ملوکانه سلطانی بناوختند. بنابراین آخوندزاده بدون گرفتن نتیجه از استانبول به قفقاز بازگشت.

سفر آخوندزاده به عثمانی، با آغاز سفارت میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) همراه بود که به مدت دوازده سال طول کشید. او از مخالفان طرح تغییر خط آخوندزاده بود، که هم در عثمانی و هم در ایران با این ایده او همراهی نکرد و آخوندزاده نیز دل خوشی از او نداشت^{۳۸} و در نامه‌های خود به ملکم به آن اشاره کرده است.

آخوندزاده می‌نویسد:

بعد از معاودت خود به تفلیس در خصوص خیال الفبا کتابچه دیگر به طهران فرستادم. در این کتابچه اشکال حروف را مقطعه قرار داده بودم ولیکن باز از ترس علما رسم خط را به سیاق سابق از طرف دست راست به طرف چپ نشان داده بودم. در طهران نیز به این خیال ملتفت نشدند^{۳۹} و این خیال الان در میان پروغرسییان و قونسور و اتوران^{۴۰} اسلامبول مسئله گفتگو و مایه مباحثه است.

دیگر [بار] در باب مسئله الفبا با اجازت بزرگان دولت خودم به صدر اعظم عثمانی عالی پاشا کتابچه دیگر از تفلیس فرستادم به انضمام کریتکا به خیالات و تصورات یک نفر از دانشمندان عثمانی سعوی افندی نام که در خصوص عدم تغییر الفباء سابق اسلام به قلم آورده بود. این کتابچه نیز بی‌ثمر ماند.

در خصوص خیال الفبا، منظومه‌ای در زبان فارسی گفته، گزارش را در آن منظومه بیان نموده‌ام.^{۴۱}

در سال ۱۲۴۷ مقاله‌ای در خصوص عدم قابلیت الفبای اسلامی

۲۸. رک: خود زندگی‌نامه نوشت آخوندزاده.

۲۹. توجه نکردند.

۳۰. پروگرسیست‌ها و کنسرواتورها، یعنی ترقی طلبان و محافظه‌کاران.

۳۱. همان.

۳۲. کاظم استادی؛ گاهشمار خط فارسی.

۳۳. او عموی ناصرالدین شاه بود. وی مجذوب ایده‌های دوره روشنگری اروپا بود و در اشاعه آنها در ایران کوشش فراوان کرد. در دوران درخشان دارالفنون وی رئیس مدرسه بود و در ماندگاری و دوام مدرسه نقش کلیدی داشت. همزمان با ریاست مدرسه در سال ۱۸۵۵ وزارت علوم را تأسیس نمود و ۲۲ سال به عنوان اولین وزیر علوم ایران فعالیت کرد.

۳۴. به نامه‌های سال ۱۲۴۹ش و ۱۲۵۰ش آخوندزاده به میرزا ملکم خان مراجعه کنید.

۳۵. مانند: میرزا ملکم خان، علی خان، جلال الدین میرزا، مانکچی (نویسنده هندی) و پروفیسور کاظم بیگ.

عدلیه رسید ۱۱ ماه بعد نیز صدراعظم شد. در نتیجه، بیشتر دوستان فتحعلی که از ناخشنودی میرزا حسین خان از وی آگاه بودند، روابط خود را با او بریدند و آن حرارت فروکش کرد. در همین زمان، چون آخوندزاده از خط ابداعی ملکم خان بسیار راضی بود و خط او را بهتر می دانست، فعالیت درباره خط را به او واگذار کرد. به دو علتی که ذکر شد، آخوندزاده از الفبای خود فارغ شد و بیشتر به نوشته های انتقادی دیگر خود پرداخت.^{۳۸}

فتحعلی باز هم از ضرورت ایجاد الفبای جدید اینک بدون اصلاح خط هیچ گونه پیشرفتی امکان ندارد، سخن گفت؛ اما میرزا حسین خان اندیشه های دیگری در سر داشت و به سخنان فتحعلی توجهی نکرد. ناکامی فتحعلی در کار تغییر خط، روح او را می آزد و موجب می گشت که او بیش از پیش در اهمیت آن اصرار ورزد. آخوندزاده تا پایان عمر نیز از تلاش در راه تغییر خط و ترویج آن دست برنداشت، اما عمر او کفاف نداد تا ثمره فعالیت خود را در منطقه قفقاز و عثمانی ببیند. او در سال ۱۲۵۶ ش در تفلیس درگذشت.^{۳۹}

اهمیت کار آخوندزاده در این بود که: همزمان با مسیو بارب فرانسوی و منیف پاشای عثمانی، برای نخستین بار به زبان فارسی، دانشمندان شرق اسلامی را به این امر مهم متوجه کرد.

در همین دوران، گروهی از شرقیان در این راه به کوشش برخاستند و در نارسایی خط کنونی ملل اسلامی مطالبی گفتند و رسالاتی نوشتند و بعضی از آنها خود الفبایی نیز اختراع کردند؛ ولی نه محیط آن روزگار برای پذیرش این گونه نظرها آمادگی داشت و نه آن خطوط پیشنهادی می توانست معایب خط کنونی را رفع کند؛ افزون بر آن، هیچ یک از آن خطوط با اشکالات آموزشی و صنعت چاپ آن دوره قابل اجرا و رواج نبود.

در سال مرگ آخوندزاده، دیگر بحث تغییر خط رونق گرفت و مقالاتی در روزنامه های فارسی (اختر) و ترکی (حریت، ترقی) عثمانی و نیز روزنامه های قفقاسیه (ضیاء) منتشر شدند و این انتشار، ادامه پیدا کرد.^{۴۰}

آنچه مسلم است، تمامی فعالان اولیه در موضوع خط همانند آخوندزاده در خارج از ایران به سر می بردند؛ اما مشهورترین فعالان همزمان آخوندزاده، میرزا ملکم خان ناظم الدوله و میرزا یوسف خان مستشارالدوله بود. ملکم خان که در لندن ساکن بود، هم مانند آخوندزاده اعتقاد داشت: «وضع خطوط ملل اسلام زیاد از حد معیوب است»^{۴۱}.

اما در عثمانی، گفت و گو و تلاش برای اصلاح خط همچنان ادامه یافت. منیف پاشا نیز دنباله کار را داشت. در ۱۲۸۵ ق/ ۱۸۶۸ م شارل میسمرفرانسوی، مشاور فرؤاد پاشا صدراعظم عثمانی، یادداشتی در دفاع از تغییر خط و استفاده از حروف لاتین برای فرؤاد پاشا فرستاد. این نامه در ذیقعه / مارس همان سال انتشار یافت. ملکم آن را برای فتحعلی فرستاد، که او را بسیار خوش آمد. پسرش را واداشت تا آن را از فرانسوی به روسی ترجمه کند. سپس خلاصه آن را منتشر ساخت. خود نیز آن را به فارسی در آورد و نزد علمای قفقاز فرستاد. آن یادداشت از راه دیگری به ایران نیز رسید و ترجمه شد.

اما او بعدها درباره تغییر خط، مخالفان سرسختی در حکومت ایران پیدا نمود که از جمله خودش، به میرزا حسین خان مستشارالدوله اشاره کرده است.

فتحعلی آخوندزاده در تفلیس به تلاش خود ادامه داد. مدتی بعد، ملکم خان که خود نیز در این زمینه خیالاتی در سر داشت، اتصال حروف را در طرح نخستین فتحعلی موجد اشکال شمرد. فتحعلی هم نظر او را پذیرفت و طرح تازه ای با حروف مقطع تهیه کرد.^{۴۲} اما این طرح تازه نیز در ایران توجه کسان بسیاری را برنینگخت و آخوندزاده پس از این آزمایش ها و شکست های پیاپی، سرانجام از اندیشه اصلاح خط عربی منصرف شد و خط جدید ملل اسلامی را تنظیم کرد.^{۴۳}

بدین ترتیب فتحعلی به سومین مرحله کار خود در تبدیل خط رسید و به کاربرد حروف اروپایی معتقد شد و آخرین طرح خود را برای تغییر خط با استفاده از حروف روسی عرضه کرد.

علت طرح این نوع خط از سوی آخوندزاده، آزمایش عملی دولت روس، پس از تصرف داغستان بود. وی در نامه ای به ملکم خان - همچنان که آمد - می نویسد: «دولت روس پس از تسخیر داغستان، یعنی از دو سال پیش، برای زبان های مردم «اواریچچن و چرکس» الفبای جداگانه ای با حروف لاتین درست کرده اند و در مدارس آنجا که تازه گشاده اند، خط جدید را تدریس می کنند و پاره ای کتاب های اسلامی را به همان خط برگردانده اند. آنان صاحب سواد و علم خواهند شد؛ اما اهل بسایط قفقاز، قریب به دو میلیون، از نکتت خط قدیم اسلام، مثل حیوان هنوز کوروی سواد مانده اند».

در این هنگام طرفداران اصلاح خط در ایران نیز حرارتی یافتند و امیدهایی در دل فتحعلی پدید آوردند، اما در رمضان ۱۲۸۷ ق/ دسامبر ۱۸۷۰ م، میرزا حسین خان مشیرالدوله که در این زمان به مخالفت با اصلاح خط توسط آخوندزاده گراییده بود، به وزارت

۳۸. رک: الفبای جدید و مکتوبات؛ ص ۲۰۸ به بعد.

۳۹. رک: کاظم استادی؛ تاریخچه تغییر خط؛ قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۹۱.

۴۰. همو، گاه شمار خط فارسی.

۴۱. از مقدمه کتاب روشنایی، لندن ۱۳۰۳ ق.

۳۶. رک: الفبای جدید و مکتوبات؛ ص ۲۰۸.

۳۷. مجله فرهنگ و خط شرق، دفتر دوم، برگ ۵۹، به روسی، باکو ۱۹۲۸.

علیمحمد خان اویسی^{۴۶} و افرادی دیگر و همچنین دکتری اهل آلبانی که بدون اطلاع از کار و کوشش دیگران ۲۵ سال در این راه زحمت کشید و بیست رساله و کتاب تألیف کرد.^{۴۷}

علاوه بر کسانی که مستقیماً و مشروحاً درباره الفبا اظهار نظر کرده اند، بیشتر دانشمندان و نویسندگانی که نوشته های آنان در پیدایش اندیشه آزادی و مشروطیت مؤثر بوده است، به معایب و مفاصل خط فارسی اشاره کرده، از فکر اصلاح آن حمایت نموده اند.^{۴۸}

در همین دوران، ماشین حروفچینی «مونوتایپ» و دیگر دستگاه های حروفچینی دستی، اختراع و استفاده شدند که همین پیشرفت های صنعتی چاپ در غرب، بحث تغییر خط را در کشورهای عقب مانده شرق، داغ ترمی نمود.

آنچه مسلم است اینکه: در کشور عثمانی، بیشترین کتاب ها و مقالات درباره تغییر خط منتشر شد، پیروان فراوانی یافت، و از همین جا، این موضوع به دیگر کشورهای همسایه انتقال یافت. به همین مناسبت موضوع تغییر خط همیشه رونق داشت و در این سال ها خط های جدیدی توسط افراد گوناگون، اختراع شد و در جاه های مختلف استفاده شد.

اما نکته ای که در این زمان مهم است اینکه: هر چند همهی این خطوط کمابیش معایبی داشت و شاید هیچ کدام از آنها قابل اجرا نبود، اما مطلب اینجاست که مسئولان برخی از دولت ها، به هیچ وجه توجهی به آنها نداشتند و همه را به دور می افکندند.^{۴۹}

تغییر خط عربی در برخی کشورها

از حدود سال ۱۲۳۵ شمسی که بحث تغییر خط داغ شد تا شروع جنگ جهانی اول، در سال ۱۲۹۳ شمسی، موضوع تغییر خط از تب و تاب نیفتاد؛ ولی به واسطه جنگ، چند سالی این موضوع متروک ماند؛ اما پس از جنگ بین الملل اول و انقلاب بزرگ اکتبر، مسئله تغییر الفبا و به وجود آوردن خطی که پیشرفت و تعمیم علم و دانش را در میان توده وسیع مردم تسهیل کند، در کشورهای شرقی^{۵۰} دوباره مطرح شد.

حکومت آذربایجان شوروی در این کار پیشقدم بود. در سال ۱۹۲۲ م (۱۳۰۱ ش)، کمیته الفبا طرح الفبای جدید را بر اساس حروف لاتین آماده کرد و دولت با نشر آن، از همه سازمان های اداری و اجتماعی

ملکم تغییر الفبای فارسی و گرفتن الفبای اروپایی را پیشنهاد نمی کرد، بلکه از ترکیب حروف الفبای فارسی، خط دیگری ساخته بود^{۴۲} که به نظرش ساده تر و مفید ترمی نمود.^{۴۳}

ملکم خان، همان گونه که خود در مقدمه گلستان اشاره کرده است، ۲۵ سال در این راه زحمت کشید، ولی الفبای جدید او با اینکه جدانویس بود، با این حال به علت همان اشکالات و موانعی که برای آخوندزاده هم وجود داشت و نیز به علت اینکه نوشتن آن با حروف سربی آسان و توسط دست مشکل بود، رواج نیافت.

میرزا یوسف خان مستشارالدوله تبریزی، کارپرداز حاجی ترخان و فرستاده ایران در پاریس نیز از پیروان جدی این فکر جدید بود و زحمات زیادی در این راه کشید.^{۴۴} وی در سال ۱۳۰۳ ق رساله ای با عنوان «رساله دروجوب اصلاح خط اسلام» نوشت و در استامبول چاپ کرد.^{۴۵}

به جز این سه تن که وقت زیاد و تلاش بسیاری در راه اصلاح خط نمودند، افراد دیگری نیز در آن دوران پیگیر مسئله تغییر خط بودند که اکثراً ایشان در خارج از ایران به سر می بردند؛ از جمله عبدالرحیم طالبوف نویسنده مشهور آن دوران^{۴۶} و میرزا حسن، منشی سفارت ایران در وین.

برای تکمیل این بحث، از کسان دیگری که کمابیش در اصلاح یا تغییر الفبای ملل اسلامی کوشیده اند، به اختصار نام می بریم: پرنس میرزا رضاخان ارفع الدوله،^{۴۷} رضاخان افشاربکشلو،^{۴۸} میرزا حسین خان،^{۴۹} ادیب الممالک فراهانی،^{۵۰} میرزا نجفقلی خان،^{۵۱} آخوند ملااحمد حسین زاده شیخ الاسلام قفقاز،^{۵۲} اعضای انجمن دانش در بمبئی،^{۵۳} میرزا کاظم خان آلان براغوشی،^{۵۴} محمد آقا شاه تختینسکی،^{۵۵} میرزا

۴۲. رک: کاظم استادی؛ «میرزا ملکم خان و کتاب خطوط آدمیت».

۴۳. او شرح خط اختراعی خود را در رساله ای به نام نمونه خط آدمیت، به سال ۱۳۰۳ ق، به ضمیمه رساله روشنائی، در لندن منتشر کرد و در این باره، در رساله به نام های «مبداء ترقی» و «شیخ و وزیر» نوشت.

۴۴. رک: شماره ۲۲ روزنامه اختر، سال ۱۲۹۷ ق.

۴۵. رک: کاظم استادی؛ کتابشناسی خط فارسی.

۴۶. مسالک المحسنین، برگ ۲۴۸.

۴۷. کنسول، سفیر در تفلیس، استامبول و پترزبورگ که رساله ای به نام رساله رشدیه در استانبول چاپ کرده است.

۴۸. نایب یکم و سرترجمان سفارت ایران در استامبول، چاپ مقالات در استامبول.

۴۹. دبیریکم وزارت خارجه در ترابوزان.

۵۰. چاپ مقالات در باکو.

۵۱. سرکاتب اول و ترجمان کبرای دولت ایران، چاپ مقالات در استامبول.

۵۲. او در سال ۱۲۹۷ ق رساله ای، با عنوان «معلم الاطفال»، به چاپ رساند (رک: کاظم استادی؛ کتابشناسی خط).

۵۳. وی در تاریخ ۱۳۰۸ ق الفبایی اختراع کرد و رساله ای با عنوان «خط دانش انسانیت»، چاپ نمود.

۵۴. منخصل به مطلع که الفبایی اختراع کرده، دفتری در این باره نوشته است.

۵۵. صاحب روزنامه یومیة مشهور شرقی روس در تفلیس که رساله ای در سال ۱۳۲۳ ق درباره

تبدیل الفبا ترتیب داده، در روزنامه خود به پیشرفت آن می کوشیده است.

۴۶. مأمور مالیة در سفارت ایران در استامبول. در سال ۱۳۳۱ ق رساله ای با عنوان راه نو، در استانبول منتشر کرده است.

۴۷. یحیی آربن پوز؛ از نما تاروزگار ما؛ ج ۳، بخش تغییر خط فارسی.

۴۸. رک: یحیی ذکاء؛ «در پیرامون تغییر خط فارسی».

۴۹. پیشین.

۵۰. یعنی کشورهایی که تحت لوای فرهنگ اسلامی به سر می بردند.

جراید موافق هم آواز شد. گروهی از نمایندگان نامه‌ای به رئیس جمهور نوشتند و اجرای الفبای جدید را خواستار شدند. کمیسیونی در وزارت فرهنگ تشکیل یافت و پس از بحث طولانی نظر داد که فعلاً از تبدیل الفبا به حروف لاتین صرف نظر شود.

در این هنگام، در کشور اتحاد جماهیر شوروی، اقداماتی درباره تبدیل الفبای عربی به لاتین در جریان بود و چنان‌که دیدیم، در اسفند ماه ۱۳۰۴، کنگره ترکولوژی بدین منظور در شهر باکو گشایش یافت و استفاده از الفبای لاتین را در تمام جمهوری‌ها و سرزمین‌های اتحاد شوروی که از الفبای عربی استفاده می‌کردند، تصویب نمود.

نمایندگان ترکیه در این کنگره نقش مستمع آزاد داشتند و پس از پایان کنگره و بازگشت آنان به میهن، مطبوعات ترک تصمیمات کنگره و نام اعضای آن را با خلاصه‌ای از بیانات سخنرانان چاپ کردند؛ ولی از امکان یا آرزوی اجرای چنین اصلاحاتی در الفبای ترک سخنی به میان نیاوردند؛ با وجود این، کم‌کم فکر اصلاح خط در میان روشنفکران پدید آمد و از اعضای دولت طرفدارانی پیدا کرد.^{۶۴}

چندی نگذشت که مجلس کبیر ترکیه قانونی گذراند که به موجب آن اصول ۲، ۱۶، ۲۶ و ۳۸ قانون اساسی تغییر می‌یافت. با این تغییرات، مسئله پذیرفتن الفبای نوین به طور قطع حل شد.

در روزیکم ژانویه ۱۹۲۸ وزیران فرهنگ و دادگستری به وسیله جراید به اطلاع مردم رساندند که بزودی استفاده از الفبای لاتین در سراسر کشور اجرا خواهد شد و وزارت کشور، در آغاز ماه می، با صدور بخشنامه‌ای، دستور داد نام شهرها با حروف لاتینی نوشته شود، و در نیمه‌های آن ماه، در بعضی از شهرها، کلاس‌های خصوصی برای آموختن ارقام اروپایی و بعد الفبای لاتینی تشکیل یافت و در سینماها فیلم‌هایی با نوشته‌هایی با حروف لاتینی به معرض تماشا گذارده شد. با این همه، هنوز در تاریخ اجرای الفبای نوین اتفاق نظر حاصل نشده بود.

در ۲۶ ژوئن ۱۹۲۸ انجمن الفبا طرح نهایی را تنظیم و پیشنهاد کرد خط جدید در عرض هفت سال به تدریج در مدارس ترکیه تدریس شود؛ ولی برای اجرای عمومی آن در سراسر کشور مدت بالنسبه طولانی لازم است.^{۶۵}

اما وقتی فالح رفقی آتای، رئیس انجمن، طرح الفبای جدید را به نظر رئیس جمهور آتاتورک رسانید و او را از مدتی که برای اجرای طرح پیشنهاد شده مطلع کرد، آتاتورک فریاد کشید: یا در سه ماه و یا هرگز! دیگر جای درنگ نبود.^{۶۶}

خواست کارمندان را با خط جدید آشنا سازند و با مسئولیت رؤسای ادارات و مؤسسات قسمت چاپی، اوراق اداری را به الفبای جدید تبدیل نمایند؛^{۶۱} و بالاخره، در ۲۰ اکتبر ۱۹۲۳ کمیته اجرائیه مرکزی، الفبای جدید ترکی را به رسمیت شناخت و دستور داد تمام نامه‌ها و سندها علاوه بر الفبای قدیم با خط جدید نیز تهیه شود.^{۶۲}

در سال تحصیلی ۱۳۰۴-۱۳۰۵ تدریس الفبای جدید در آموزشگاه‌های عمومی و سال بعد، در مدارس حرفه‌ای و عالی به رسمیت شناخته شد و جزو برنامه وزارت فرهنگ قرار گرفت.

نخستین کنگره جمهوری‌های شوروی، با حضور نمایندگان جمهوری‌های ترک و تاتار و ایالات خودمختار شوروی، در مارس ۱۹۲۶ (اسفند ۱۳۰۴ ش) در شهر باکو تشکیل شد؛ و پس از مباحثات زیاد، با اکثریت ۱۱۱ رأی موافق (۷ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع)، مزایای خط جدید لاتین را بر خط عربی تأیید نمود. اما کنگره رأساً الفبایی را که باید جانشین خط قدیم شود، تعیین نکرد و انتخاب آن را بر عهده خود حکومت‌های هر محل واکذار نمود.

نخستین پلنوم تغییر الفبا روز ۳ ژوئن ۱۹۲۷ (۱۳ خرداد ۱۳۰۶) در باکو تشکیل شد و تا ۶ ژوئن جلسات خود را ادامه داد و طرح الفبای واحدی را که کمیسیون مأموران کار تهیه و پیشنهاد کرده بود و در واقع بهترین و مناسب‌ترین الفبایی بود که همه ملت‌های ترکی زبان می‌توانستند بی‌اشکال از آن بهره‌مند گردند، با حضور نمایندگان آنها تصویب کرد و بر بحث و جدال شدیدی که چه پیش از تشکیل کنگره ترکولوژی و چه پس از آن، در گرفته بود، پایان بخشید. حکومت آذربایجان نیز که قبلاً الفبای مخصوصی برای خود برگزیده بود، به الفبای واحد عمومی پیوست و از سال ۱۳۰۸ آن را در مدارس و ادارات و در چاپ کتب و جراید به کار بست.^{۶۳}

خط جدید ترکیه

پس از پایان جنگ استقلال و اعلان جمهوری، مسئله الفبا بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاد. شکری سراج اوغلی، نماینده از میر، نخست بار، در مجلس کبیر ملی ترکیه، در این باره گفتاری راند و سخنان او توجه اکثر جراید را به خود جلب کرد.

در نیمه دوم سال ۱۳۰۳ ش و تقریباً در تمام مدت سال ۱۳۰۴ ش، بحث درباره خط و الفبا به واسطه حوادث حاد سیاسی به کلی مسکوت ماند. در پاییز سال ۱۳۰۴ ش، باز مقالاتی درباره تغییر الفبا در جراید ترک پدید آمد و حتی روزنامه اقدام که قبلاً جزو مخالفان بود، این بار با

۶۴. روزنامه جمهوری، به تاریخ ۲۷، ۲۸ و ۲۹ اوت ۱۹۲۷ مقالاتی در این زمینه انتشار داد و از علمای ترک خواست مسئله تبدیل الفبای ترک به لاتین را عمیقاً مورد مطالعه قرار دهند (یحیی آربین پوز پیشین).

۶۵. همان.

۶۶. آتاتورک رشته کار اجرای الفبای جدید را خود به عهده گرفت و در یک مجلس گاردن پارتی

۶۱. روزنامه کارگرباکو (باکینسکی رابوچی)، شماره ۲۱، ۱۶، ۲۱ ژوئیه ۱۹۲۲ و شماره ۲۴، ۲۶ ژوئن ۱۹۲۳.

۶۲. همان، شماره ۳۱، ۲۴ اکتبر ۱۹۲۳.

۶۳. یحیی آربین پوز پیشین.

ترکیه، در بازگشت به ایران فرمان داد مقدمات اصلاح الفبا را در ایران فراهم کنند و اقدامات دیگران و تجاربی که در این زمینه به دست آورده‌اند، اطلاعات درستی گرد آورند.

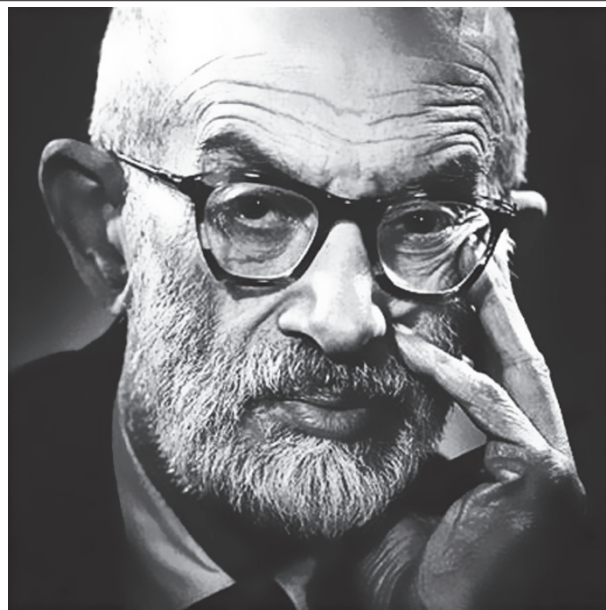
از قرار معلوم، علی اصغر حکمت که وزیر فرهنگ بود، مأمور این کار شد و فرهنگستان ایران، در ماده دوم اساسنامه، مطالعه در اصلاح خط را جزو وظایف خود قرارداد.

در این میان، برخی از ایرانیان و غیر ایرانیان با موضوع تغییر خط مخالفت کردند؛ از جمله شرق شناسانی که با تغییر الفبای ایران مخالفت نمود و مخالفتش نیز مؤثر افتاد، «سردنيسن راس» شرق شناس بنام انگلیسی بود. باید دانست در نخستین سال‌های پادشاهی رضاشاه که دست به برخی اصلاحات بزرگی زده می‌شد، از جمله بسیار امید می‌رفت ایرانیان نیز به تقلید ترک‌ها خط خود را به لاتین برگردانند، در آن روزها «سردنيسن راس» سفری به مصر و ایران و هندوستان نمود. در ایران بیشتر پراکنده شده بود که وی برای تغییر دادن خط ایران به این مسافرت اقدام نموده است و بسیاری نیز فریب این شایعات را خورده بودند؛ چنان‌که هنگام ورود او به مصر، ایرانیان مصر را و در این باره پرسش‌هایی کردند و او سخنان ضد و نقیض بسیار گفت و سرانجام با مخالفت خود با تغییر الفبا در هندوستان و ایران از این جنبش جلو گرفت.^{۶۸}

در همین زمان، موضوع تغییر خط در ایران داغ شد و نویسندگان بیشتری به این موضوع پرداختند^{۶۹} که از آن میان میرزا علی اصغر خان طالقانی، سعید نفیسی رشید یاسمی، سید حسن تقی‌زاده، مصطفی فاتح، ذبیح بهروز، جبرئیل اعلائی، موسی نثری، حسین رضاعی و میرزا ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای را می‌توان نام برد.

بیشترین کسان و کسانی که بعد از آنان در این باره بحث کرده‌اند، جز شمار کمی مانند کاظم ایران‌شهر و احمد کسروی، اصلاح خط کنونی را کوششی بی‌فایده و ناصواب می‌دانستند و همگی اعتقاد داشتند الفبای آینده زبان فارسی جز الفبای لاتینی نمی‌تواند باشد؛ زیرا حروف لاتین که اکنون در زبان‌های اروپایی به کار می‌رود، زیباترین و مناسب‌ترین اشکال خط است؛ از لحاظ خواندن و نوشتن کامل‌ترین و غنی‌ترین همه خط‌هاست؛ این الفبا از حروف منفصل تشکیل یافته و اکثر مردم با سواد جهان با آن آشنا هستند و همین خط است که در مراکز دنیای متمدن رایج است.

دکتر سعید نفیسی از هواداران معتقد و سرسخت تغییر الفبا بود و تا پایان عمر بر عقیده خود وفادار ماند. رشید یاسمی، شاعر، ادیب، محقق و عضو فرهنگستان ایران، علاوه بر هواداری جدی از عقیده



ورود بحث «تغییر خط» از خارج به ایران

پس از جنگ جهانی اول، باز کسانی در ایران به کوشش برخاستند و رساله‌هایی نوشتند که اولین آنها، مقالاتی بود در سال ۱۳۰۴ ش توسط حسین کاظم‌زاده ایران‌شهر به نام «الفبا به ترتیب راه نو» و «لزوم اصلاح خط و زبان» از ابوالقاسم اعتصام‌زاده.

همزمان با جریان‌های نهایی تغییر خط در آذربایجان و ترکیه و برخی نقاط دیگر، در ایران نیز مقالاتی درباره تغییر خط به چاپ رسید که برخی از نویسندگان آنها عبارتند از: ابراهیم پورداوود، غلامحسین ابتهاج و چیره.

وقتی در سال ۱۳۰۷ شمسی خط در ترکیه و جمهوری‌های قفقاز تغییر کرد، در ایران نیز مقالات بسیاری درباره تغییر خط نوشته شد. برخی از مؤلفان عبارتند از: غلامرضا یاسمی، حسین حلاج، علی دشتی، عبدالله راضی، حسین زنجانی، عذرا فر بود، عبدالحسین شهشهرانی، مصطفی افتخار، محمد قزوینی، محمد علی جمال‌زاده، سعید نفیسی، ناظم الدوله ملکم و سید حسن تقی‌زاده. برخی از ایرانیان خارج از کشور نیز همانند محمد علی داعی الاسلام، به این موضوع پرداختند.^{۶۷}

تقی‌زاده مسئله تغییر الفبا را در رساله‌ای با نام «مقدمه تعلیم عمومی»، در سال ۱۳۰۷ ش (۱۳۴۷ق) موضوع بحث قرارداد و دلایل بسیاری در لزوم آن آورد و خطی نیز به جای الفبای کنونی، بر اساس الفبای لاتین پیشنهاد کرد. تا اینکه در سال ۱۳۱۳ شمسی، رضاشاه پس از دیدار از

که حزب جمهوری ملی (شعبه استانبول) در روز نهم اوت ۱۹۲۸ در پارک «سرای بورنو» ترتیب داده بود، نطق کوتاهی ایراد کرد. برای ملاحظه متن این سخنرانی، رک: ترک دلی، بیبلیوگرافی سی، ۱۹۲۸ - ۱۹۴۰، ص ۷-۹.

۶۷. کاظم استادی؛ «گاه‌شمار خط فارسی»؛ مجله بهارستان، بهار ۱۳۹۱.

۶۸. رک: یحیی ذکاء؛ «در پیرامون تغییر خط فارسی»؛ ص ۱۵۰.

۶۹. رک: کاظم استادی؛ «فعالان تغییر خط».

۱۳۲۹: الفبای صاحب‌الزمانی از سید حسن صاحب‌الزمانی، چاپ روزنامه‌های مشهد.

۱۳۲۹: انتشار حداقل پنج درباره پیرامون تغییر خط فارسی از مؤلفان.^{۷۳}

۱۳۳۰: انتشار حداقل سه نوشته درباره تغییر خط فارسی از مؤلفان: جمشید وصال، سعید نفیسی و ایرج افشار.

۱۳۳۲: رسم الخط یوسفی از اکبرخان یوسفی و «شیوه خط» از پرویز ناتل خانلری.

۱۳۳۳: انتشار حداقل سه نوشته درباره مشکلات خط فارسی از مؤلفان: احمد جاوید و نورحقیق صدر.

۱۳۳۴: انتشار حداقل سه نوشته درباره مشکلات خط فارسی از مؤلفان: رحیم الهام، محب حیرت و ابراهیم صهبا.

۱۳۳۵: انتشار «درحاشیه خط فارسی و اصلاح و تغییر آن» از ایدالله ثمره.

۱۳۳۶: انتشار «لزوم قطعی تغییر خط» از ابراهیم گرانفر.

۱۳۳۷: انتشار حداقل دو نوشته درباره رسم الخط فارسی از مؤلفان: سعید نفیسی و محمد کوهپایه‌ای.^{۷۴}

اوج مباحثات تغییر خط در ایران

سال ۱۳۳۸ شمسی، سال دعوی تغییر خط بین موافقان و مخالفان است که منجر به انتشار حداقل هشتاد نوشته درباره مشکلات خط فارسی گشت.^{۷۵} در این سال انجمنی به نام «انجمن اصلاح خط» از جمعی از دانشمندان^{۷۶} به ریاست استاد سعید نفیسی در تهران تشکیل یافت و الفبایی پیشنهاد کرد و درجراید و رادیو توضیحاتی درباره نقص الفبای کنونی فارسی و لزوم تغییر آن داد. این انجمن اصلاح خط فارسی را مهم‌ترین اصلاح اجتماعی در ایران می‌دانست، ولی معتقد بود این قبیل اصلاحات مهم و جاودانی را نباید با قوه قهریه عملی کرد؛ زیرا در آن صورت واکنش مردم شدید ترمی شود و نتیجه مطلوب به دست نمی‌آید، بلکه باید فکر مردم را با منطق قوی و دلایل محکم حاضر کرد و هر روز بر عده هواخواهان آن افزود تا همه افراد ملت

تغییر الفبا اشعاری دارد که در آنها عیوب خط فارسی را یکایک برشمرده است.^{۷۰}

یکی دیگر از کسانی که در زمینه خط بسیار فعال بود، ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای است. او از سال ۱۳۲۳ دیگر به فکر پیرایش زبان نبود و به دنبال تغییر خط فارسی به خط لاتین بود.

آزاد مراغه‌ای در پی این تصمیم خود، جمعیتی به نام «گروه طرفداران الفبای آسان» را در تهران و شهرستان‌ها تشکیل داد و خود نیز دبیر این گروه شد. او برای جلب نظر نمایندگان مجلس دوره چهاردهم کتابی با عنوان الفبای آسان تألیف کرد تا شاید خط پیشنهادی وی مورد بررسی قرار گیرد و در مجلس

نکته‌ای بسیار مهم در دهه اخیر اتفاق افتاده است، و آن اینکه: از زمانی که پیشرفت‌های جدید حوزه فناوری رخ داده است و استفاده از ابزارها و شبکه‌هایی چون اینترنت، چت، پیامک و اندک آنها رایج گشته است، «چند عیب» از آن بیست عیب خط فارسی، شاخص شده‌اند؛ مثلاً

از سال ۱۳۲۳ - ۱۳۳۸ که داغ‌ترین سال بحث تغییر خط است، می‌توان به این رویدادها اشاره کرد: ۱۳۲۳: انتشار حداقل پنج نوشته درباره تغییر خط فارسی از مؤلفان.^{۷۱}

۱۳۲۴: تأسیس «گروه طرفداران الفبای آسان»، اختراع «الفبای آسان»، ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای و «الفبای نو»، رضا صفی‌نیا و نیز

انتشار حداقل هیجده نوشته درباره تغییر خط فارسی از مؤلفان.^{۷۲}

انتشار حداقل چهار نوشته درباره اصلاح و تغییر خط فارسی

از مؤلفان: جبار باغچه‌بان، ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای، ناظم الدوله ملکم و محمد باقر هوشیار.

۱۳۲۵: شیخ وزیر (رساله‌ای درباره خط فارسی) از ناظم الدوله ملکم.

۱۳۲۶: الفبای انسونیت از عبدالعلی ارسط، چاپ کرمانشاه.

۱۳۲۶: انتشار «طرحی درباره اصلاح خط فارسی» از اسماعیل آشتیانی.

۱۳۲۸: انتشار حداقل دو نوشته در تغییر خط فارسی از علی اصغر رحیم‌زاده صفوی و ...

۱۳۲۹: الفبای عمادی از محمود عمادی، چاپ روزنامه پرچم در تهران.

۷۰. رک: یحیی آربن پور؛ پیشین و کاظم استادی؛ «فعالان تغییر خط».

۷۱. پرویز ناتل خانلری، عبدالرحیم طالبوف، محمد باقر هوشیار، محمد آسیم و ذبیح بهروز.

۷۲. ذبیح بهروز، محمد مقدم، حکیم معانی، جبار باغچه‌بان، محمود عمادی، میرزا یوسف خان مستشارالدوله، یحیی مهدوی، حسن کشمیری، شمس‌الدین رشیدی، پرویز ناتل خانلری، سعید نفیسی و مدامغانی.

۷۳. احمد کسروی، محمد صادق ادیب‌الممالک فراهانی، محمود عمادی، میرزا لطفعلی تبریزی و یحیی ذکا.

۷۴. کاظم استادی؛ «گاهشمار خط فارسی».

۷۵. از مؤلفان: محمد آسیم، اختری، داریوش اسفندیاری، هوشنگ اعلم، خسرو اکبری، امینیان، بیرامی، ابراهیم پورداود، صادق تقوی، محمدعلی جمال‌زاده، رضا جهانسون، عبدالرسول خیامپور، داراب، داودی، عزیز دولت‌آبادی، یحیی ذکا، مسعود رجب‌نیا، حسی رضاعی، عبدالحسین زرین‌کوب، زهرانی، سخی‌ون، علی‌اکبر سیاسی، شاه‌رخی، علی‌اکبر شهابی، نصرالله شیفته، ذبیح‌الله صفا، لطفعلی صورتگر، طاهیان، عادل، جواد عامری، عجمی، عزیز، فرخواه، کاشفی، رضا کاویانی، کشاورز، احمد کمال، محمد صادق کیا، مناف مرادی، مروستی، مظاهری، محمد معین، محمد مقدم، مهید، نراقی، نظری، سعید نفیسی، نگارستانی، سلیم نیساری، وکیلی، همایون‌نفر و حبیب یغمایی.

۷۶. از جمله دکتر نصرالله شیفته، مسعود رجب‌نیا، ابراهیم گرانفر، منوچهر امیری، یدالله رویایی، یحیی ذکا، سهیل آذری، دکتر مروستی و چند تن دیگر.

پشتیبان آن گردند.

در همین سال به دنبال جنجالی که بر سر موضوع تغییر خط در ایران برپا شد، نقل قول‌هایی از مخالفت آیت‌الله العظمی بروجردی شنیده شد^{۷۷} که احتمالاً به همین دلیل پس از این تاریخ، دوباره موضوع تغییر خط روبه افول رفت و از حرارتش کاسته شد؛ با این حال همچنان مقالات و کتاب‌هایی در این موضوع منتشر می‌گشت.

در سال ۱۳۴۳ش انجمنی به نام «انجمن ترویج زبان فارسی» در تهران دایر شد و مجله‌ای به نام «بنیاد فرهنگ» انتشار داد و الفبایی به نام «الفبای فارسی به خط جهانی» پیشنهاد کرد و از خوانندگان خود خواست هرگونه نظری درباره این الفبا دارند، به انجمن بنویسند.^{۷۸}

در سال ۱۳۴۴ موضوع تغییر خط فارسی در دو مجله پایتخت، یعنی «روشنفکر» و «سپید و سیاه» مطرح شد و به مجلات دیگر هم سرایت کرد و هر کس - از موافق و مخالف - درباره آن اظهار نظر کرد.^{۷۹}

در همین سال حداقل هفده نوشته درباره تغییر و اصلاح خط فارسی از مؤلفان منتشر شد^{۸۰} و از سال ۱۳۴۵ که اینترنت در آمریکا پدیدار شد و چاپ افست در ایران رواج پیدا کرد تا انقلاب اسلامی ایران، این رویدادها به وقوع پیوست:

۱۳۴۵: انتشار حداقل نه نوشته درباره تغییر و اصلاح خط فارسی از مؤلفان.^{۸۱}

۱۳۴۶: انتشار حداقل هفت نوشته درباره تغییر و اصلاح خط فارسی از مؤلفان.^{۸۲}

۱۳۴۶: رسم الخط تازه، اثر بهرام یزدانی.

۱۳۴۷: انتشار «املاء فارسی و راه رفع مشکلات آن»، اثر ضیاء سجادی و «تغییر خط از نظر ملک الشعراء»، از محمد گلبن و «مشکل خط فارسی»، از جعفر محجوب.

۱۳۴۸: انتشار «پیشنهادی برای آسان نوشتن»، از شریعت مهران و «دستور تعلیم الفبای نوین»، از شهاب فردوس و «رسم الخط محمود رفیقی» از دانش پژوه.

۷۷. یکی از این نقل قول‌ها در اسناد ساواک به نقل از حجت الاسلام فلسفی از آیت‌الله بروجردی است. (رک: کتاب خاطرات).

۷۸. یحیی آربن پور؛ پیشین.

۷۹. در این بحث و نظرآزمایی، مقالات دکتر رحمت مصطفوی، مدیر مجله روشنفکر، به خصوص بسیار جالب توجه بود.

۸۰. سعید نفیسی، محمد علی جمال‌زاده، ابراهیم صهبا، ابوالفضل مرعشی، ذبیح‌الله صفا، محمود شفیعی، کمال طالقانی، حسن قوامی‌زاده، محمود کمالی همدانی، محمود دهناد، پندار، هادی خراسانی و محمد محیط طباطبایی.

۸۱. محمد تقی بهار، ابراهیم پورداود، کاظم حسینی، عبدالله رهنما، محسن شاملو، اکبر صفویه و عبدالرحمن فرامرزی.

۸۲. مسعود فرزاد، محمد مقدم، ناصح ناطق، حمید نطقی، حسین نواب، سلیم نیساری و ناصر وثوقی.

۱۳۴۹: انتشار «مقدار یا مقدار؟»، اثر محمد علی اسلامی ندوشن.

۱۳۵۰: یک مهندس انفورماتیک به نام ری تاملینسون، نخستین «ای میل» را ارسال کرد.

۱۳۵۰: انتشار حداقل هجده نوشته درباره تغییر و اصلاح خط فارسی از مؤلفان.^{۸۳}

۱۳۵۰: رساله در اختراع خط جدید، اثر محمد کرمانی.

۱۳۵۱: انتشار حداقل پانزده نوشته درباره تغییر و اصلاح خط فارسی از مؤلفان.^{۸۴}

۱۳۵۱: رسم الخط نعلبندیان، اثر ناصر انقطاع.

۱۳۵۱: الفبای بین‌المللی مهر، از ابهری.

۱۳۵۲: انتشار «تغییر یا ساده کردن خط فارسی»، از کریم روشنیان و «چند اصل برای اصلاح املاهای فارسی»، از جعفر شعار.

۱۳۵۳: انتشار حداقل چهار نوشته درباره تغییر و اصلاح خط فارسی از مؤلفان: کریم روشنیان، محمد علی سفیری، جعفر شعار و پرویز ناتل خانلری.

۱۳۵۴: سخنی در زمینه نگارش واکها در خط فارسی، از احمد کاظمی موسوی.

۱۳۵۵: «آیا تغییر خط صلاح است؟» از محمد کیوان و «باید آنطوری که تهرانی تلفظ می‌کند، بنویسیم»، از مجید یکتایی و «مسائل خط فارسی»، از میرحمید مدنی.

۱۳۵۶: انتشار «در باب کتابت و رسم الخط فارسی» بوشهری و «سنجش ویژگیهای خط فارسی در خواندن» غضنفری و «لزوم اصلاح خط فارسی» دهناد.^{۸۵}

دلایل به ثمر نرسیدن فعالیت‌های پیش‌گفته را تیتروار این‌گونه می‌توان برشمرد:

۱. طراحان تفکر تغییر خط، خود هنرمند نبودند و از هنرمندان نیز برای طراحی خط ابداعی خود بهره نبردند؛ اما خط رایج قدیم، سال‌های زیاد توسط خطاطان زبردست پرورانده شده بود؛ به طوری که در رویارویی با خط ابداعی، حداقل از نظر زیبایی، قابل مقایسه با هم نبودند.

۲. ضرورت تغییر خط فراگیر و عمومی نبود و تنها شمار خاصی بر این مزایا و ضرورت‌ها واقف بودند.

۸۳. خلیل آذر، جمشید امیربختیار، سید عبدالکریم امیری فیروزکوهی، م جاویدان، علی حصوری، احمد خدایی، بهمن دارانی، جعفر شعار، خسرو فرشیدورد، محمد کیوان، سلیم نیساری و منوچهر وارسته.

۸۴. آذر، خلیل / آموزگار، حبیب‌الله / احمدی بیرجندی، احمد / استعلامی، محمد / ثمره، یثاقل‌الله / خبره‌زاده، علی اصغر / خواب‌نما، هدایت‌الله / زیان، عزیز / شاملو، احمد / شهابی، علی اکبر / فرزاد، مسعود / فرشیدورد، خسرو / قدیمی نوانی، جواد / مشکلی، مسعود / کاظم استادی؛ «گاه‌شمار خط فارسی».

نیز با کمک هنگامه شهریاری با این شیوه منتشر شد. پس از درگذشت شاملو آیدا سرکیسیان آثاری را با شیوه نگارشی مورد علاقه شاملو منتشر می‌کند.

با مرگ هوشنگ گلشیری و احمد شاملو و کریم امامی و با تعطیلی مجله آدینه و رفتن کاظم کردوانی بعد از اجرای کنفرانس برلین، شورا عملاً تعطیل شد و نتوانست مصوبات خود را پیگیری کند و کاستی‌های احتمالی آن را برطرف کند. ایرج کابلی با انتشار کتاب درست‌نویسی خط فارسی و ایجاد وب‌گاه Linguism سعی در ادامه راه شورا و کارنیمه تمام آن دارد.

با رواج حروفچینی کامپیوتری و گسترش آن، دستگاه‌های فرهنگی و دولتی، متولی حفظ خط فارسی در این فضاها شدند.

موضع تغییر خط چنان به فراموشی سپرده شد که حتی وقتی در سال ۱۳۸۴ کتابشناسی‌ای درباره خط فارسی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد، کلیه کتاب‌ها و مقالاتی که به موضوع تغییر خط پرداخته بودند، در آن کتابشناسی حذف شد.

پس از فراگیر شدن اینترنت و افزایش چشمگیر کاربران آن در ایران، کار گروهی برای حفظ زبان و خط فارسی در فضای مجازی، در شورای اطلاع‌رسانی تأسیس شد که اکنون چندین سال است به همین موضوع می‌پردازند.

و اکنون، خط در ایران تغییر یافته است

در سه دوره زمانی مختلف ایران، از زمان آخوندزاده تا پیش از انقلاب اسلامی، جنجال‌های مفصلی درباره اصلاح یا تغییر خط فارسی در ایران و نزد ایرانیان مقیم برخی کشورها رخ داده است. در هر سه دوره، موافقان اصلاح یا تغییر خط فارسی، نتوانستند به اهداف خود برسند؛ چرا که هیچکدام از حدود بیست عیب خط فارسی که از دیرباز تا کنون مطرح بوده است، نتوانست به تنهایی یا روی هم، اضطرابی ایجاد کند تا همگی دست‌اندرکاران فرهنگ و ادب فارسی، تمایل پیدا کنند و یا بتوانند موجبات تغییر خط فارسی را فراهم کنند.

از آن سونیز، چون اراده محکم سیاسی پشت جریان اصلاح و تغییر خط فارسی وجود نداشت، آن تلاش‌های موافقان برای اصلاح و تغییر خط فارسی، در این سه دوره، به جایی نرسید و ناکام ماند.

اما، نکته‌ای بسیار مهم در دهه اخیر اتفاق افتاده است، و آن اینکه: از زمانی که پیشرفت‌های جدید حوزه فناوری رخ داده است و استفاده از ابزارها و شبکه‌هایی چون اینترنت، چت، پیامک و انند آنها رایج گشته است، «چند عیب» از آن بیست عیب خط فارسی، شاخص شده‌اند؛ مثلاً جدانویس نبودن خط فارسی کنونی یا فنی نبودن آن که

۳. حکومت‌ها بر اساس قاعده «سری که درد نمی‌کند، دستمال نمی‌بندند»، علاقه‌ای به تحمل دردهای زیاد تغییر خط نداشتند.

۴. علما و فقها، به دلیل انس مردم با خط عربی و واژه‌ها از انقطاع یکباره مردم از متون دینی، به هیچ وجه استقبالی از این موضوع نداشتند؛ افزون بر اینکه مخالفت نیز می‌نمودند.

۵. شاید بزرگان، همه به عیوب خط عربی واقف بودند، اما از آن سو نیز خط مناسبی که بتواند بدون عیب، جایگزین خط قدیم گردد، ارائه نشد.

۶. خط لاتین که علاقه‌مندان بسیاری در موضوع تغییر خط، همراه آن بودند، باز خورد ملی و مذهبی خوبی بین مردم و متدینان و علاقه‌مندان به سنت نداشت؛ بنابراین تبلیغ این خط نیز واکنش‌هایی در برداشت که نمی‌توانست جایگزین خط عربی قدیم گردد.

۷. دلایلی محلی و شخصی دیگر.

افول بحث تغییر خط همراه انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب، به دلیل گسترش موضوعات اسلامی و وجهه دینی حکومت ایران و گرایش‌های مذهبی مقامات دولتی، موضوع تغییر خط به کلی از تب و تاب افتاد و بیشتر مقالاتی که درباره خط منتشر می‌شد، به اصلاح رسم الخط فارسی و یا یکسان‌سازی رسم الخط می‌پرداختند.

«در مرداد ۱۳۷۱ در شماره ۷۲ مجله آدینه مقاله‌ای منتشر شد با نام «فراخوان به فارسی‌نویسان و پیش‌نهاد به تاجیکان» این فراخوان را ایرج کابلی انجام داده بود و در آن به تفصیل ضمن تشریح نارسایی‌ها و مشکلات موجود در شیوه نگارش خط فارسی توصیه کرده بود شورایی برای رسیدگی و حل این مشکلات تشکیل شود. در همین شماره مجله آدینه، مقاله دیگری توسط محمد صنعتی با عنوان «دشواری‌های زبان فارسی با کامپیوتر» نیز منتشر شده بود. در ۳۱ مرداد ۱۳۷۱ نخستین نشست شورای بازنگری در شیوه نگارش و خط فارسی تشکیل شد.

از آن پس اخبار و مصوبات شورا در مجله آدینه منتشر می‌شد و شیوه نگارش آدینه نیز مطابق این تصمیمات تغییر می‌کرد. کاظم کردوانی به عنوان دبیر این شورا در آبان ۱۳۷۲ گزارشی از فعالیت یک ساله شورا ارائه داد که در آن تأکید شده بود شورا قصد تغییر خط فارسی یا چپ‌نویس کردن آن را ندارد.

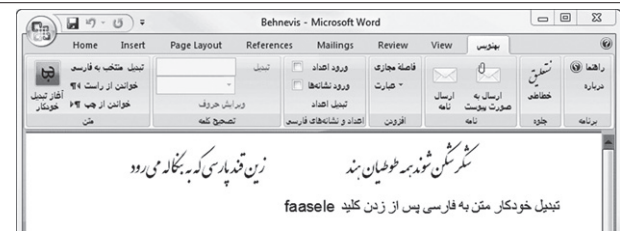
پس از انتشار مصوبات شورا، مجله آدینه و بعضی از نویسندگان و مترجمان آثار خود را با شیوه نگارش پیشنهادی این شورا یا شیوه نزدیک به آن منتشر کردند. احمد شاملو مجموعه آثار خود را به همت نیاز یعقوب شاهی با شیوه نگارش جدید ویراستاری کرد و رمان دن آرام

حتی در حال حاضر، هفت سایت مهم، نرم افزار «نویسه‌گردان فینگلیش» را رایبه داده‌اند که همین، خود نشان از کاربرد بیش از اندازه فینگلیش نویسی در ایران دارد.

دیری نمی‌پاید که نسل پنجاه سال به بالای ما که نتوانستند خود را با فناوری جدید همراه کنند، جای خود را به نسل جدید ایران می‌دهند و تمامی مردم ایران و نیز فارسی‌زبانان دنیا، فینگلیش نویسی می‌شوند. باید فکری کرد و این فکر نمی‌تواند تولید خط‌های تزیینی فارسی یا خط‌های دستوری باشد؛ چرا که صدها نوع از این دستورها و خط‌ها، در حال حاضر موجودند، اما توانایی جایگزینی و طرد خط فینگلیش را ندارند.

کتابنامه

۱. ارفع الدوله، پرنس رضا؛ دانش تیریزی؛ رساله‌ی رشده در خط فارسی؛ استانبول، ۱۸۷۹ م.
۲. آرن پور، یحیی؛ از نیما تا روزگار ما؛ تهران؛ زوار، ۱۳۸۷.
۳. آزاد مراغه‌ای، ابوالقاسم؛ الفبای آسان؛ تهران، ۱۳۲۴.
۴. استادی، کاظم؛ دانشنامه خط فارسی، قم، ۱۳۹۰.
۵. _____؛ کتابشناسی خط فارسی؛ قم، ۱۳۹۰.
۶. _____؛ آخوندزاده و تغییر خط؛ قم، ۱۳۹۰.
۷. افشاربکشلوی قزوینی، رضا؛ پروژ نگارش (دستور خط و زبان)؛ استانبول، ۱۳۰۰ ق.
۸. اویسی، علمحمد؛ راه نو؛ در الفبا و تغییر خط؛ استانبول، ۱۳۳۱ ق.
۹. بهروز، حسین؛ الفبای بهروزی؛ استانبول، ۱۲۹۹ ق.
۱۰. بهروز، ذبیح؛ خط و فرهنگ، ضمیمه شماره ۸ ایران کوده؛ تهران؛ ۱۳۲۵.
۱۱. پولیوئوف؛ مسئله تبدیل الفبا به لاتین؛ (به روسی)؛ ۱۹۲۳ م.
۱۲. تربیت، محمد علی؛ دانشمندان آذربایجان؛ تهران؛ ۱۳۱۴.
۱۳. تقی‌اف، ابراهیم؛ «میرزا فتحعلی آخوندوف و الفبای جدید ترکی»، (به روسی)، مجله فرهنگ و خط شرق؛ شماره ۱، باکو، ۱۹۲۸ م.
۱۴. تقی‌زاده، سیدحسین؛ «مقدمه تعلیم عمومی»، یکی از فصلهای تمدن، نگارش، دستور خط؛ تهران؛ ۱۳۰۷.
۱۵. توسرکانی، قاسم؛ زبان تازی در میان ایرانیان پس از اسلام.
۱۶. جمعیت ایران جوانان؛ الفبای نو؛ تهران؛ ؟
۱۷. جمعیت علمیه عثمانی؛ سواد تقریر؛ ۱۲۸۰ ق.
۱۸. حبیبی آزاد، ناهید؛ کتابشناسی خط و خوشنویسی؛ انجمن خوشنویسی ایران.
۱۹. خانلری، پرویز ناتل؛ «خط و زبان»، مجله سخن؛ دوره نهم، شماره ۱۰، ۱۱ و ۱۲.
۲۰. دهقانی، رضا؛ استامبول تجدیدگاه روشنفکران ایرانی؛
۲۱. ذکاء، یحیی؛ «در پیرامون تغییر خط»، تهران؛ ۱۳۲۹.
۲۲. ژیرکف، پروفیسور؛ «مسئله الفبای لاتین برای زبان فارسی» (به روسی)، مجله فرهنگ و خط شرق؛ شماره ۱، مسکو، ۱۹۲۸ م.
۲۳. عابدی، طالب؛ تأثیر استانبول بر حرکت‌های دولتمردان و آزادیخواهان ایرانی؛
۲۴. علی‌یف، س.م.؛ «در باب روابط اجتماعی و سیاسی روشنفکران آذربایجان.



نمی‌تواند با علوم پیشرفته امروزی همخوانی مناسبی پیدا کند. در حال حاضر همین چند عیب، توانسته‌اند، بدون درخواست قبلی و التماس و کسب اجازه از بزرگان ادب فارسی، خط فارسی را تغییر دهند و یا حداقل، در حال حاضر مقدمات تغییر خط فارسی را فراهم کنند.

به این اعداد و ارقام خوب توجه کنید:

در سال ۱۳۸۵ با توجه به کلیه کتاب‌هایی که تألیف و منتشر شده‌اند و کلیه روزنامه‌ها و مجلاتی که نوشته و منتشر شده و کلیه نامه‌نگاری‌های مردمی و اداری و کلیه مشق‌ها و تمرین‌هایی که حدود ۱۷ میلیون دانش‌آموز و دانشجو نوشته‌اند و کلیه یادداشت‌های شخصی مردم که در طول سال می‌نویسند، در مجموع، حدوداً ۶۵ میلیارد سطر، خط فارسی در ایران نگارش شده است.

در همین سال، طبق آمار رسمی، هشت میلیارد پیامک، رد و بدل شده است که بیش از نیمی از آنها به خط فینگلیش (لاتینی نویسی فارسی) بوده است؛ البته می‌توانید متن‌های نوشته‌شده حدود بیست میلیون کاربر اینترنت آن سال را نیز به آن اضافه کنید.

با کم و زیادش، حدوداً «فینگلیش نویسی» شش درصد نوشتار مردم ایران را در آن سال تشکیل می‌دهد. اما جالب‌تر اینکه؛ در حال حاضر (سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰) آمار استفاده از پیامک در ایران، به هفتاد میلیارد در سال رسیده است که البته می‌توانید ۳۶ میلیون نفر کاربر اینترنت ایران را که روزانه بسیاری از آنها از خط فینگلیش استفاده می‌کنند، به آن اضافه کنید.

با کم و زیادش، در حال حاضر، حدوداً ۵۳ درصد نوشتار مردم ایران، به خط فینگلیش است. تعجب نکنید. شاید شما با کامپیوتر آشنایی ندارید^{۸۶} و یا با خودتان قیاس می‌کنید و می‌گویید یقیناً این آمار اشتباه است؛ اما شما می‌توانید برای صحت این ادعا، سری به کافی‌نت‌ها بزنید و نوشتار کاربران را کنترل کنید. آن‌گاه به راحتی باور می‌کنید که جوانان این مرز و بوم، همه توانایی خواندن و نوشتن خط فینگلیش را دارند و به راحتی از آن استفاده می‌کنند.

۸۶. بر اساس گزارش سیکو (۲۰۱۱) که پس از مطالعه بر روی ۲۸۰۰ دانشجوی استاد دانشگاه جوان در بازه سنی ۲۰-۲۹ سالگی در چهارده کشور مختلف صورت گرفته است، بیش از نیمی افراد مورد مطالعه، اعلام کرده‌اند نمی‌توانند بدون اینترنت به زندگی خود ادامه دهند و از آن به عنوان بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی‌شان یاد کرده‌اند که در بعضی موارد اهمیت آن از خودرو، ازدواج و رفاقت با دوستان نیز بیشتر بوده است.

ایران و ترکیه در نیمه دوم سده نوزدهم؛ مسکو: مجموعه ایران، آکادمی علوم شوروی، دانشکده خاورشناسی، ۱۹۷۶ م.

۲۵. فلسفی، محمدتقی؛ زندگی و خاطرات سیاسی فلسفی؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۲۶. کانونف، آن؛ «اصلاح الفبای ترکیه» (به روسی)، مجله تاریخ و زبانشناسی کشورهای شرق؛ لنین‌گرا، ۱۹۵۹ م.

۲۷. کوچرلو، فریدون بیگ؛ رساله یادبود یکصدمین سال تولد میرزا فتحعلی آخوندزاده؛ تفریس، ۱۳۲۹ ق.

۲۸. گرانفر، ابراهیم؛ لزوم قطعی تغییر خط؛ تهران، ۱۳۳۶.

۲۹. گلین، محمد؛ کتابشناسی خط و زبان؛

۳۰. لاوش، ی؛ «مسئله تبدیل الفبای ترکیه به لاتین»، (به روسی)، مجله فرهنگ و خط شرق، شماره ۲، باکو، ۱۹۲۸ م.

۳۱. مستشارالدوله، یوسف؛ اصلاح خط اسلام؛ تهران، ؟

۳۲. مینوی، مجتبی؛ اصلاح یا تغییر خط فارسی؛ تهران، ۱۳۴۴.

۳۳. ناصحی، ویدا؛ «زن، خانواده و تجدد»، ایران‌نامه؛ ش ۲، بهار ۱۹۹۳.

۳۴. ناطق، مهندس ناصح؛ «تغییر خط»، مجله نگین؛ دوره دوم، شماره ۱۹، آذر ماه ۱۳۴۵ و مابعد.

۳۵. ناظم‌الدوله، ملکم؛ نمونه خط آدمی - ت؛ لندن، ۱۳۰۳ ق.

۳۶. نفیسی، سعید؛ «تاریخ خط در ایران»، مجله کاوش؛ دوره دوم، آبان ۱۳۴۲.

۳۷. هدایت، صادق؛ «خط پهلوی و الفبای صوتی»، مجله سخن؛ دوره دوم، شماره ۸ و ۹.

۳۸. یوباشف، ن؛ «الفبای عربی و الفبای جدید ترکی» (به روسی)، مجله فرهنگ و خط شرق؛ شماره ۱، مسکو، ۱۹۲۸ م.

_____؛ «الفبای لاتین و الفبای فارسی»، روزنامه اطلاعات؛ شماره سی‌ام مهر و یکم آبان ۱۳۳۷.

_____؛ «درباره تغییر خط فارسی»، مجله سخن؛ دوره یازدهم، شماره ۱.

_____؛ طرح تبدیل الفبای ترکی ملل جماهیر شوروی به لاتین، (به روسی)، ۱۹۲۶ م.

_____؛ «مقدم بر تغییر خط و هر اصلاح دیگری طرز فکر است که باید اصلاح شود». مجله خواندنیها؛ سال ۲۶ شماره ۳۰ و ما بعد.

_____؛ اینترنت در ایران؛ دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا.

_____؛ جدیدترین آمار کاربران اینترنت در ایران؛ خبرگزاری مهر.

_____؛ جهانی بزرگ در سیطره رسانه‌ای کوچک؛ همشهری آنلاین.

_____؛ چاپ و چاپخانه در ایران؛ دایرةالمعارف فارسی، ج ۱.

_____؛ دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی.

_____؛ روزنامه اختر؛ شماره‌های مختلف.

_____؛ شورای بازنگری در شیوه نگارش و خط فارسی؛ ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.